

۳ افق

هاوانا زیر ضرب
برنامه ترامپ برای کوبا چیست؟

۴ کافه

ملی‌گرای معتدل
یادی از حمید مصدق

۶ توسعه

آرایش جدید ارزی
معاون ارزی بانک مرکزی تغییر کرد

۷ کوچه

سپیدپوشان، سیاهپوش شدند
تأیید رسمی جان باختن دانشجویان پزشکی

۲ سیاست

بیانیه‌های
سه چهره و یک جبههمیرحسین موسوی، مهدی کروبى
سیدمصطفی تاج‌زاده و جبهه اصلاحات
در واکنش به شرایط اخیر کشور
بیانیه‌های جداگانه‌ای را منتشر کردند

سرمقاله

رودر بایستی را کنار بگذاریم

برای نوسازی جدی ایران
باید هزینه‌های سنگینی پرداخت شود

سیدحسین مرعشی



دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

ترکیب چندین عامل مختلف باعث شکل‌گیری بحران‌های اخیر در ایران شده است. یکی از مهم‌ترین این عوامل، افزایش تدریجی جمعیت بخشی از مردم است که خود را در تقابل با نظام جمهوری اسلامی می‌بینند. این گروه نه تنها با جمهوری اسلامی بلکه با دین و حتی با مفاهیمی چون استقلال، که از ارکان اصلی انقلاب ۵۷ بود، مخالفت دارند. این مخالفت‌ها ناشی از عملکردهای نادرست نظام جمهوری اسلامی طی دهه‌های گذشته و شرایط سخت معیشتی مردم است که موجب شده این ارزش‌ها در ذهن بخشی از جامعه از بین بروند و در عین حال، مقاومت‌هایی شکل بگیرد. در واقع، جامعه به‌جایی رسیده که بخش قابل توجهی از آن خواهان مداخله خارجی هستند. این وضعیت نشان‌دهنده بن‌بست و شکست عمیق در درون نظام است. این مسئله تنها به تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴ محدود نمی‌شود بلکه ریشه در رویدادهایی از گذشته دارد؛ ازجمله مرگ مهسا امینی در ۱۴۰۱، افزایش قیمت بنزین در ۱۳۹۸، اعتراضات سال ۱۳۹۶ و حتی حوادث سال ۸۸. این اعتراضات، یک جریان ریشه‌دار است که از دیرباز در تاریخ کشور وجود داشته و هیچگاه با روش‌های کلاسیک جمهوری اسلامی که با بخش اطلاعات درست یا غلط به هواداران خود می‌کوشید اعتراضات را مهار کند، حل نشده است.

| ادامه در صفحه ۲

یادداشت روز

وقت سیاست

چرا نباید عرصه سیاست‌ورزی را رها کرد؟

محمد قوچانی

رئیس کمیته سیاسی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

گفته‌اند جنگ ادامه سیاست است با زبانی دیگر؛ این سخن شاید درباره سیاست خارجی صدق کند اما در سیاست داخلی با تردید سیاستمداران مواجه شده است. اما از جنگ خارجی (تجاوز) بدتر، جنگ داخلی است. همان پدیده‌ای که توماس هابز آن را «جنگ همگان با همگان» تعبیر می‌کند و با واژه warre به‌جای war توضیح می‌دهد که به جنگ هابزی مشهور است. در جنگ هابزی به سبب غیبت لویاتان، جامعه دچار وضع بی‌دولتی می‌شود و به‌جای آنکه همه از یک دولت بترسند، همه از هم می‌ترسند و دچار نزاعی موازی و فرسایشی می‌شوند. این نظریه هابز، منبع الهام بسیاری از متفکران ازجمله دارون عجم‌اوغلو شده که بر مبنای آن کتاب «دالان باریک» را نوشته است که پس از بحران سوریه سعی کرد، راهی میان‌جان لاک در تأسیس آزادی و توماس هابز در تأسیس دولت را بیابد و این متأسفانه وضعیتی است که پس از حرکت دومینووار در خاورمیانه از تونس، مصر، لیبی و سوریه سرانجام به ایران رسیده است و با عبور از عمق راهبردی ایران در لبنان و یمن و حتی عراق و به‌خصوص سوریه به‌خطر جنگ هابزی نزدیک شده است. از تهدید آمریکا مهم‌تر آنچه اهمیت دارد، چیزی است که حتی دبیر شورای امنیت ملی از آن به خطر جنگ داخلی تعبیر کرد و این همان Warre است که توماس هابز و دارون عجم‌اوغلو درباره آن هشدار داده‌اند. تجربه جنگ داخلی در انگلیس (دوره سقوط سلطنت و ظهور جمهوریت سپس بازگشت سلطنت در عصر کرامول) و جنگ داخلی در فرانسه (سقوط سلطنت و کمون پاریس و جمهوری سوم) و جنگ داخلی در آمریکا (میان شمال و جنوب) هم مورد توجه متفکران سیاسی ازجمله کارل مارکس بوده است و ما نیز نباید به آن بی‌توجه باشیم.

| ادامه در صفحه ۷

نقطه عطف؟

در شرایطی که تنش‌های میان ایران و آمریکا به بالاترین سطح خود رسیده است سیدعباس عراقچی دیروز به ترکیه رفت و با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و هاکان فیدان، همتای ترکیه‌ای خود دیدار و گفت‌وگو کرد در پایان این دیدارها، مقامات دولت ترکیه این مذاکرات را بسیار مثبت ارزیابی کردند سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است

درحالی که ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران تندرین، حساس‌ترین و شاید تنش‌آلودترین مرحله در روابط چند دهه اخیر خود را سپری می‌کنند و حضور نظامی واشنگتن در



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

آب‌های اطراف خلیج فارس و دریای عمان به اوج بی‌سابقه‌ای رسیده است، آنکارا تمام توان دیپلماتیک خود را به کار بسته تا این بحران فرآینده را از طریق دالان‌های دیپلماسی به‌نوعی مهار یا حل‌وفصل کند. در همین راستا، رسانه میدل‌ایست‌آی‌نیوز نیز خبر داده است که اردوغان پیشنهاد داده که برای کاهش فوری شعله‌های تنش، یک ویدئوکنفرانس مستقیم بین «ترامپ» و «پزشکیان» برگزار شود؛ پیشنهادی که گفته می‌شود، ترامپ به آن علاقه نشان داده اما مسعود پزشکیان هنوز پاسخ صریح و رسمی به آن نداده است. در میان این سکوت و انتظار، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه به ترکیه سفر کرد تا شاید پاسخ رسمی ایران



سیاست

نقش تندروها در نارضایتی‌ها

رادیکالیسم؛ تهدیدی برای حکمرانی

یا توجیه گر مشکلات؟

گروه سیاسی: اعتراضات مردمی دی ماه که در واکنش به مشکلات اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم در سراسر کشور شکل گرفت از منظر سیاسی و اجتماعی تأثیرات زیادی داشت. در این میان، محمد عطریانفر، معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در گفت‌وگو با خبرآنلاین با بیان اینکه اعتراضات اخیر در مشکلات اقتصادی و ضعف مدیریتی ریشه دارد و ناشی از دو دهه ناکارآمدی در مقابله با تحریم‌ها و مشکلات معیشتی مردم است بر این نکته تأکید کرد که این مشکلات اقتصادی، به‌عنوان عامل اصلی نارضایتی‌ها، در کنار رادیکالیسم به‌عنوان تهدیدی جدی برای حکمرانی، موجب بحران‌های اجتماعی شده‌اند. او رادیکالیسم را به‌عنوان یکی از تهدیدهای بزرگ برای سیاست‌گذاری و فرآیندهای حکومتی معرفی می‌کند و بر این باور است که ورود رفتارهای افراطی به عرصه سیاست می‌تواند به‌عنوان ویروسی به نظام سیاسی آسیب وارد کند.

عطریان‌فر در این گفت‌وگو ابتدا به‌صراحت بر این نکته تأکید می‌کند که اعتراضات اخیر تنها به‌دلیل رفتارهای رادیکالیستی یا آرمان‌گرایانه تندروها شکل نگرفته‌اند. او توضیح می‌دهد: «اعتراضات اخیر ریشه‌های عمیق‌تری دارند که عمدتاً به وضعیت اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم مربوط می‌شود. این وضعیت در طول دو دهه اخیر به یک نقطه بحرانی رسیده و اعتراضات به‌طور جدی ریشه‌دار شده‌اند».

با این حال، عطریان‌فر به حضور تندروها در عرصه سیاست نیز اشاره می‌کند و تأکید دارد که این گروه‌ها با طرح شعارهای غیرواقعی و آرمان‌های دست‌نیافتنی، توقعات عمومی را به‌طور غیرمعقول افزایش می‌دهند. او می‌گوید: «وقتی رادیکال‌ها وارد عرصه سیاست می‌شوند چون واقع‌بین نیستند، آمال و آرزوهای خود را در قالب یک صورت‌بندی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به جامعه عرضه می‌کنند». عطریان‌فر در ادامه رادیکالیسم را به‌عنوان یک تهدید جدی برای حکمرانی و سیاست‌گذاری کشور معرفی می‌کند. او می‌گوید: «رادیکالیسم سم مهلک حکومت و سیاست است؛ یعنی به شکل یک عارضه بیرونی می‌آید و یک فرآیند طبیعی و منطقی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد». طبق نظر عطریان‌فر، رفتارهای افراطی و شعارهای غیرواقعی می‌توانند به‌طور جدی عملکرد نظام حکمرانی را مختل کرده و روند طبیعی تصمیم‌گیری‌ها را از مسیر اصلی خود منحرف کنند. او به‌ویژه بر این نکته تأکید دارد که این نوع افکار و رفتارها مانند یک ویروس عمل می‌کنند که ساختارها و فرآیندهای طبیعی یک نظام حکومتی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.

او در ادامه توضیح می‌دهد: «رادیکالیسم در سیاست‌گذاری مانند یک ویروس عمل کرده که ساختارها و فرآیندهای حکومتی را مختل می‌کند». به باور او، این نوع افراطی‌گری نه‌تنها تأثیرات منفی در جامعه دارد بلکه موجب افزایش انتظارات غیرواقعی در میان مردم نیز می‌شود.

یکی از پرسش‌هایی که در این گفت‌وگو مطرح می‌شود این است که چرا نظام سیاسی به‌طور مؤثر با رادیکالیسم و رفتارهای افراطی مقابله نمی‌کند. عطریان‌فر در پاسخ به این سوال می‌گوید که گاهی خود نهاد قدرت سیاسی نیز درگیر این رفتارها شده و حتی ممکن است در برخی موارد اسیر آنها شود. او می‌گوید: «مشکلی که شاید در ذهن شما نقش بسته ناشی از این است که گاهی خود نهاد حکومت اسیر رادیکالیسم است. از این جهت بله، بعضاً پیش آمده که خود نهاد قدرت سیاسی بر پایه رقابت‌های داخلی و دست‌به‌دست شدن قدرت در بخش‌هایی دچار این عارضه شده است».

او توضیح می‌دهد، هنگامی که خود نهاد قدرت درگیر این نوع رفتارها می‌شود، مقابله جدی با رادیکال‌ها صورت نمی‌گیرد. او تأکید می‌کند که اگر حکومت مطابق با برنامه‌ریزی‌های مشخص و اصولی عمل کند باید در برابر هرگونه حرکت افراطی ایستادگی کند و با ابزارهای نظارتی و قانونی از بروز آسیب‌های بیشتر جلوگیری کند.

عطریان‌فر در نهایت به لزوم مقابله با رفتارهای رادیکالیستی در حکمرانی اشاره می‌کند و معتقد است که یک نظام سیاسی اصولی باید در برابر این رفتارها مقاومت کند. او توضیح می‌دهد: «در یک نظام سیاسی متعادل و اصولی، مقابله با این‌گونه رفتارها ضروری است. اگر حکومتی بر اساس برنامه‌ریزی‌های مشخص عمل کند باید در برابر هرگونه حرکت افراطی و رادیکال مقابله و با ابزارهای قانونی و نظارتی در برابر آنها ایستادگی کند».

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

بیانیه‌های سه چهره و یک جبهه

میرحسین موسوی، مهدی کروبی، سیدمصطفی تاج‌زاده و جبهه اصلاحات در واکنش به شرایط اخیر کشور

بیانیه‌های جداگانه‌ای را منتشر کردند

گروه سیاسی: حوادث هجدهم و نوزدهم دی ماه در کشور و تحولات پس از آن، واکنش‌های مختلفی را از سوی چهره‌های سیاسی و جریان‌های مختلف به‌دنبال داشت. واکنش‌هایی که بر لزوم شفاف‌سازی حقیقت و پیگیری راحل‌های مسالمت‌آمیز و دموکراتیک تأکید دارند و راهکارهایشان از برگزاری رفراندوم، فراخوان به گفت‌وگو و اصلاحات تا تشکیل کمیته حقیقت‌یاب را شامل می‌شود و نشان‌دهنده عزم جریان‌های مختلف سیاسی برای عبور از بحران و احیای اعتماد عمومی است.

بیانیه سه چهره

در پی جان باختن شمار زیادی از جوانان و شهروندان ایرانی در حوادث اخیر، میرحسین موسوی، مهدی کروبی و سیدمصطفی تاج‌زاده بیانیه‌های جداگانه‌ای را صادر و هر سه ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های داغدار بر ضرورت روشن شدن حقیقت و یافتن راحل‌های مسالمت‌آمیز برای عبور از بحران تأکید کرده‌اند. میرحسین موسوی که همچنان در حصر است، رخدادهای این روزها را «برگی سیاه» نامیده است. او راحل را در برگزاری رفراندوم قانون اساسی و تشکیل جبهه‌ای فراگیر با سه اصل کلیدی نفی استبداد داخلی، عدم مداخله خارجی و گذار دموکراتیک مسالمت‌آمیز از همه سلایق ملی می‌داند. مهدی کروبی نیز در بیانیه خود اعتراض را حق مردم دانسته و تأکید کرده که حفظ جان شهروندان وظیفه حکومت است. کروبی خواستار تشکیل هیأت مستقل برای بررسی ابعاد حادثه و آزادی معترضان شده است. به باور او، تنها راه برون‌رفت از بحران، رجوع به مردم و برگزاری همه‌پرسی آزاد است. سیدمصطفی تاج‌زاده نیز اتفاقات اخیر را «قابل پیش‌بینی و پیشگیری» خوانده و بر تشکیل کمیته حقیقت‌یاب ملی تأکید کرده است. او ضمن محکوم کردن خشونت‌ها بر لزوم گفت‌وگوی ملی و تقاهم تاریخی برای عبور از وضعیت شکننده کنونی اشاره کرده و آینده ایران را آبیسن تحولات بزرگ دانسته است. در مجموع، این سه بیانیه با وجود تفاوت در لحن بر همدردی با خانواده‌های قربانیان، ضرورت شفاف‌سازی حقیقت و یافتن راحل‌هایی مبتنی بر اراده مردم تأکید دارند؛ رویکردی که بر

ادامه سر مقاله

رودر بایستی را کنار بگذاریم

در همین رابطه، یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی‌ها در تاریخ جمهوری اسلامی، بعد از جنگ ۱۲ روزه رخ داد. جنگی که می‌توانست، فرصتی بی‌نظیر برای ایجاد وحدت و مقاومت در برابر تهدیدات خارجی باشد اما از آن هیچ استفاده‌ای برای حل مسائل داخلی و بهبود روابط مردم و نظام نشد. مشکلات انباشته و حل نشده، جامعه را به بن‌بست خطرناکی رسانده است. از آن فرصت‌های تاریخی هیچ بهره‌ای برای رفع مشکلات داخلی و بهبود روابط بین مردم و حکومت برداشته نشد و امروز در این نقطه گرفتار آمده‌ایم.

در گذشته، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نیز تلاش‌هایی برای حل مسائل ایران با غرب داشت. اما این فرصت‌ها برای حل و فصل مشکلات داخلی و خارجی کشور از دست رفت. به یاد دارم که آقای هاشمی در زمان حادثه آرژانتین و بمب‌گذاری در مرکز یهودیان گفتند: «ما نمی‌توانیم کشور را برای مدت طولانی در لبه پرتگاه نگه داریم زیرا هر لحظه ممکن است، حادثه‌ای رخ دهد که کشور را به بحران بکشانند». حتی پیش از آن هم فرصت‌های بزرگی بود که سوختند و نباید از آنها عقب‌نشینی می‌کردیم مثل ماجرای مذاکرات مک فارلین، در آن زمان، ما محکم ایستاده بودیم و تأکید می‌کردیم که مصلحت کشور در این است که با آمریکایی‌ها گفت‌وگو کنیم چون امام(ره) نیز در جریان بود. نباید از جو منفی که چپ‌ها و مرحوم آیت‌الله منتظری ایجاد کرده بودند و از مخالفت با آمریکا سخن می‌گفتند، می‌ترسیدیم. می‌گفتم که این کار را کرده‌ایم و از آن دفاع می‌کردیم. اما متأسفانه این موقعیت‌ها از دست رفت.

فرصت بعدی برای حل مشکلات کشور در زمان آقای خاتمی فراهم شد اما این هم از دست رفت. حتی پس از روی کار آمدن آقای رئیسی نیز فرصت‌هایی برای خروج از بحران وجود داشت. عقلای قوم به آقای رئیسی پیشنهاد کردند که با رهبر انقلاب صحبت کند تا اجازه دهند، آقای روحانی برجام را به پایان برساند و کشور از بحران‌ها خارج شود. اما این اتفاق نیفتاد و پس از آن، آقای رئیسی با آقای باقری درگیر پرونده هسته‌ای شدند. این پرونده ۸ ماه طول کشید و آقای باقری که خود از مخالفان برجام بود، در نهایت گزارش داد که هیچ چیزی بیشتر از برجام به ما نمی‌دهند و باید همان را احیا کنیم. اما باز هم تعلل شد و این

گفت‌وگو، مشارکت ملی و عبور مسالمت‌آمیز از بحران استوار است. پیش از این دکتر سروش در بیانیه‌ای ضمن انتساب خشونت رخ داده در کف خیابان‌های ایران به «سلطنت‌طلبان، مجاهدین، تروریست و صهیونیست‌ها» از خاتمی و روحانی و دیگر نخبگان سیاسی خواسته بود که به میدان بایند و پرچم اعتراضات را به‌دست بگیرند. پس از آن بیانیه و درخواست بود که سه چهره معترض داخلی بیانیه‌های جداگانه‌ای را منتشر کردند.

بحران و اصلاحات در ایران

جبهه اصلاحات هم به‌عنوان یکی از جریان‌های سیاسی مهم کشور در واکنش به وقایع اخیر، بیانیه‌ای منتشر کرده که در آن به بحران بی‌اعتمادی گسترده در میان مردم و سیاستمداران اشاره شده است. در این بیانیه، آمده است که بخش زیادی از شهروندان ایران دیگر به نهادهایی که قرار بود نماینده مطالبات آنها باشند، اعتماد ندارند. جبهه اصلاحات هم از بی‌بی‌اعتمادی عمیق مستثنا نبوده و به‌وضوح اعلام کرده که تلاش‌های اصلاح‌طلبانه برای به‌رسیمیت شناخته شدن اصلاحات در سطح داخلی و خارجی به بن‌بست رسیده است. این جبهه در ادامه بر بیانیه ۱۵ماده‌ای سیدمحمد خاتمی تأکید کرده و از نخبگان و دلسوزان کشور خواسته است که با تشکیل یک مجمع ملی به‌دنبال راحل‌های واقع‌بینانه و اجماعی برای برون‌رفت از بحران‌های کنونی باشند. همچنین جبهه اصلاحات پیشنهاد کرده است که در اسرع وقت کمیته حقیقت‌یاب مستقلی تشکیل شود. این کمیته باید از نمایندگان مختلف مانند حقوق‌دانان، خانواده‌های جان‌باختگان، نهادهای مدنی، نهادهای انتظامی و قضایی تشکیل شده و به بررسی دقیق حوادث اخیر پرداخته و گزارشی شفاف به مردم ارائه کند.

تأکید بر اصلاحات اساسی

در کنار جبهه اصلاحات، نهضت آزادی ایران هم در واکنش به بحران‌های اخیر کشور، بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن به مشکلات گسترده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اشاره شده است. نهضت

آزادی همچنین بر لزوم رسیدگی به بحران‌های اقتصادی، اجتماعی

و سیاسی تأکید کرده و وضعیت کنونی کشور را ناشی از بی‌توجهی به مطالبات مردم دانسته است. در این بیانیه، آمده که ملت ایران سال‌هاست به دلیل استبداد، بی‌عدالتی، فساد، تورم و بیکاری اعتراض دارند. افزایش آلودگی هوا، بحران آب، مشکلات معیشتی و سقوط ارزش پول ملی، زندگی مردم را به شدت تحت‌فشار قرار داده است. بسیباری از جوانان به دلیل مشکلات اقتصادی و نابرابری‌ها قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نیستند. نهضت آزادی ایران همچنین به وضعیت سیاسی کشور اشاره کرده و از نارضایتی مردم نسبت به عدم انعکاس مشکلاتشان در رسانه ملی و نبود انتخابات آزاد و سالم خبر داده است. در این شرایط، نهضت آزادی با تسلیت به خانواده‌های قربانیان حوادث اخیر، خواستار پیگرد قضایی عوامل این فجایع و تأکید بر حق اعتراض مردم است.

این جریان سیاسی باور دارد که شرایط ایران هرگز به قبل از بهمن ۱۳۵۷ باز نخواهد گشت و هرگونه تبلیغات واپس‌گرا را محکوم می‌کند. نهضت آزادی همچنین از دخالت‌های خارجی در امور ایران انتقاد کرده و به حاکمیت توصیه می‌کند که از هرگونه خشونت مردم خودداری کند. در نهایت، این جبهه بر لزوم اصلاحات اساسی در سیاست داخلی و خارجی تأکید کرده و یادآور می‌شود که بحران اقتصادی کشور تنها از طریق اصلاحات سیاسی قابل حل است. آنها از احزاب ملی و دموکراتیک خواسته‌اند که به‌صورت هم‌صدا علیه دخالت‌های خارجی موضع بگیرند و به حاکمیت فشار آورند تا تغییرات اساسی در کشور اعمال کند.

در نهایت، به‌نظر می‌رسد که نگاه‌ها به آینده ایران همچنان مبهم است، اما در عین حال، این بحران‌ها می‌تواند نقطه آغاز تحولات اساسی در کشور باشد. اگرچه نظرات و پیشنهادات ارائه‌شده از سوی شخصیت‌های سیاسی و جریانات مختلف در مورد چگونگی حل بحران‌های کنونی متفاوت است، اما همه در یک نکته مشترک هستند و آن تأکید بر لزوم اصلاحات، گفت‌وگو و مشارکت ملی است. آینده ایران به‌وضوح در گرو تصمیمات اساسی و ساختاری است که باید برای عبور از بحران‌ها و برطرف کردن مطالبات مردم اتخاذ شوند.

فراهم نمی‌شود و باید با تدبیر در مسائل خارجی عمل کرد. باید از هر فرصتی برای جلوگیری از عملیات احتمالی آمریکا علیه ایران استفاده کرد. اگر آمریکا حمله کند، به احتمال بسیار زیاد، هم معترضان و هم حامیان نظام وارد خیابان‌ها خواهند شد و این وضعیت ممکن است به جنگ داخلی شدید تبدیل شود.

بنابراین تلاش برای جلوگیری از یک جنگ وسیع باید در اولویت قرار گیرد. اگر از این مرحله عبور کرده و جنگ آغاز شود، پیش‌بینی اینکه چه هزینه‌های سنگینی برای کشور به همراه خواهد داشت، دشوار است. در حال حاضر اولویت باید جلوگیری از جنگ‌ها و تشدید بحران‌ها باشد.

اکنون باید شخصیت‌های سیاسی ایران بدون رودربایستی با رهبری و نظام، پای اصلاحات واقعی بایستند. به‌طور قطع امکان بازسازی روابط جمهوری اسلامی‌ای که امروز با آن مواجه هستیم با همان ادبیات و رویکردهای دهه ۶۰ وجود ندارد. در سال ۱۴۰۵ نمی‌توان با همان شیوه‌ها با مردم وارد تعامل شد. نسل‌ها تغییر کرده‌اند. امام در اولین سخنرانی خود پس از ورود به ایران در بهشت‌زهرآ گفتند: «ما هیچ‌گاه به محمدرضا شاه و پدرش رأی نداده‌ایم که آنها سلطان ما باشند». حالا در شرایطی که بیش از ۸۰ درصد مردم امروز در ایران حتی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ حضور نداشته‌اند باید توجه کنیم که جامعه و شرایط جهانی نیز تغییر کرده‌اند. نظام اطلاع‌رسانی تغییر کرده، دیدگاه‌ها متفاوت شده و نسل‌ها دگرگون شده‌اند.

امروز نیاز است که مسئولان ایران از هر طیف و گرایشی، چه چپ و چه راست، تلاش کنند تا جمهوری اسلامی را با فرهنگ و خواسته‌های امروز نوسازی کنند. نیازی نیست که این موضوع تنها توسط اصلاح‌طلبان پیگیری شود. حتی سران کشور نیز باید خواسته‌های جامعه امروز را در نظر بگیرند و جمهوری اسلامی را به‌گونه‌ای نوسازی کنند که با نیازهای امروزی منطبق باشد. این فرآیند، پیچیدگی‌هایی دارد که باید در زمان مناسب به آن پرداخته شود.

اگر از این بحران عبور کردیم، برای نوسازی جدی ایران، باید هزینه‌های سنگینی پرداخت شود. هزینه‌ای که به جلب حمایت حداقل ۶۵ درصد از مردم منجر شود. ممکن است گروهی هرگز قانع نشوند اما باید تلاش کنیم که بیش از ۶۰ درصد مردم را با خود همراه کنیم و این تنها با امتیاز دادن‌های بسیار سنگین و پرداخت هزینه‌های واقعی امکان‌پذیر است. امتیازهایی که باید برای اصلاحات داخلی و با مشارکت مردم در نظر گرفته شود، نه با قدرت‌های خارجی.

هاوانا زیر ضرب

برنامه ترامپ برای رویارویی با کوبا چیست؟

در هفته‌های پایانی ژانویه ۲۰۲۶ روابط ایالات متحده و کوبا وارد مرحله‌ای بی‌سابقه از تنش شده است؛ مرحله‌ای که بسیاری از ناظران آن را خطرناک‌ترین وضعیت در چند دهه اخیر توصیف می‌کنند. این تنش دیگر صرفاً محدود به اختلافات دیپلماتیک یا بن‌بست‌های سیاسی نیست بلکه به تقابل فعال اقتصادی، امنیتی و لفظی تبدیل شده که پیامدهای آن می‌تواند، کل منطقه کارائیب و حتی فراتر از آن را تحت‌تأثیر قرار دهد. هرچند احتمال وقوع یک تهاجم نظامی کلاسیک و تمام‌عیار هنوز قطعی و قریب‌الوقوع ارزیابی نمی‌شود اما مجموعه‌ای از تصمیمات سیاسی، اقدامات عملی و اظهارات تند مقامات دو کشور باعث شده است، سناریوی درگیری نظامی بیش از گذشته در محاسبات تحلیلگران منطقه‌ای و بین‌المللی جدی گرفته شود. نقطه عطف این مرحله جدید از تنش، اعلام «وضعیت اضطراری ملی» از سوی ایالات متحده در ۲۹ ژانویه ۲۰۲۶ است. کاخ سفید در فرمان اجرایی مربوطه، دولت کوبا را تهدیدی «غیر معمول و فوق‌العاده» علیه امنیت ملی آمریکا معرفی کرده و این ارزیابی را مبنای مجموعه‌ای از اقدامات تنبیهی قرار داده است. این فرمان بخشی از چارچوبی گسترده‌تر موسوم به «دکترین دانرو» تلقی می‌شود؛ رویکردی که به‌عنوان مکملی بر دکترین تاریخی مونرو، حق مداخله فعال

ادامه تیتیریک

نقطه عطف؟

وی درباره احتمال گفت‌وگو میان مقامات ایران و آمریکا نیز گفت: هنوز برنامه‌ای برای دیدار ما و آمریکایی‌ها تنظیم نشده است. ما برای مذاکرات منصفانه و عادلانه آماده هستیم اما مقدماتی باید در این خصوص انجام بگیرد؛ در مورد شکل، محل و موضوع گفت‌وگوها. امروز صحبت‌های خوبی در این خصوص با آقای فیدان داشتیم و ما به این مشورت‌ها با دوستان خود در منطقه ادامه می‌دهیم و امیدوارم بتوانیم به‌زودی به یک چارچوب مشخصی که بتواند یک مذاکرات شرافتمندانه را تضمین کند، برسیم.

وزیر خارجه همچنین تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران آماده ورود مجدد به مذاکرات هسته‌ای است. جمهوری اسلامی ایران هیچگاه به‌دنبال سلاح‌های هسته‌ای نبوده و این سلاح‌ها هیچ جایگاهی در محاسبات امنیتی ما ندارند. ما آماده اعتمادسازی در خصوص صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود بوده‌ایم و همچنان هستیم. وزیر امور خارجه ترکیه نیز در این نشست خبری مشترک با اشاره به اینکه اسرائیل در تلاش است، ایالات متحده را به انجام حمله نظامی علیه ایران متقاعد کند و همه ارکان دولت ترکیه با هرگونه مداخله نظامی علیه ایران مخالف هستند، گفت: از سرگیری مذاکرات هسته‌ای میان ایران و ایالات متحده در فضای سازنده از منظر کاهش تنش‌های منطقه اهمیت حیاتی دارد. این مذاکرات هم‌زمان زمینه‌ساز رفع تحریم‌های اعمال شده علیه ایران و ادغام این کشور در نظام اقتصادی بین‌المللی خواهد بود.

عراقچی پس از این نشست خبری به همراه فیدان به دیدار اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه رفت. رئیس‌جمهور ترکیه در این دیدار با ابلاغ سلام‌های گرم خود به مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور پزشکیان، ابراز اطمینان کرد که دولت و مردم ایران با وحدت و انسجام ملی بر چالش‌های موجود فائق خواهند آمد.

رئیس‌جمهور ترکیه با اشاره به رایزنی‌های این کشور برای کاهش تنش و بازگشت به مسیر دیپلماسی، تأکید کرد که منطقه تاب تشدید ناامنی ندارد.

وی تنها راه‌حل موضوع هسته‌ای ایران را دیپلماسی دانست و آمادگی ترکیه را برای هرگونه مساعی جمیله در این زمینه اعلام کرد.

در همین جو سنگین، رؤسای جمهور ایران و ترکیه در گفت‌وگوهای مستقیم خود ضمن تبادل نظر عمیق درباره بحران‌های جاری بر ضرورت اتخاذ راهکارهای دیپلماتیک، تعامل‌محور و مبتنی بر گفت‌وگو برای حل‌وفصل گره‌های کور منطقه تأکید کردند و خواستار پرهیز جدی از هرگونه اقدامات تحریک‌آمیز، تنش‌زا و جنگ‌افروانه شدند. آنکارا به‌عنوان عضوی از ناتو که مرز مشترکی به طول ۵۳۵ کیلومتر با ایران دارد با نگرانی عمیقی شاهد آرایش نظامی آمریکا در منطقه است. مقام‌های ترکیه به‌خوبی می‌دانند که هرگونه

واشنگتن در نیم‌کره غربی برای حفاظت از منافع خود را توجیه می‌کند. مهم‌ترین ابزار عملی این وضعیت اضطراری، تهدید به اعمال تعرفه‌های سنگین و تنبیهی علیه هر کشوری است که به کوبا نفت صادر کند؛ اقدامی که عملاً با هدف خفه‌سازی اقتصادی هاوانا طراحی شده است. این سیاست در ادامه تحولات مهمی قرار می‌گیرد که اوایل ژانویه ۲۰۲۶ با مداخله نظامی آمریکا در ونزوئلا رقم خورد. بازداشت نیکلاس مادورو و قطع جریان نفت یارانه‌ای کاراکاس به کوبا، ضربه‌ای جدی به ستون اصلی تأمین انرژی این کشور وارد و شرایط اقتصادی و اجتماعی آن را شکننده‌تر کرد. در چنین فضایی، مقامات آمریکایی با لحنی آمیخته به اطمینان و تهدید از «فروپاشی اجتناب‌ناپذیر» کوبا سخن می‌گویند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بارها تأکید کرده که کوبا بدون حمایت ونزوئلا، توان ادامه مسیر را ندارد و «زیر وزن مشکلات داخلی خود سقوط خواهد کرد». هم‌زمان مارکو رویو، وزیر خارجه، در اظهارات خود در برابر کمیته روابط خارجی سنا تصریح کرده که واشنگتن به‌دنبال حمله نظامی مستقیم نیست اما هدف نهایی آن تغییر رفتار یا حتی تغییر ساختار قدرت در کوبا از طریق «فشار حداکثری» است. در این چارچوب برخی تحلیلگران معتقدند، آمریکا خود را برای سناریویی آماده می‌کند که در آن کمبود انرژی

و مواد غذایی به ناآرامی‌های گسترده داخلی منجر شود و زمینه را برای مداخله محدود یا «کمک» نظامی فراهم آورد. در مقابل، واکنش هاوانا مبتنی بر مقاومت، انسجام داخلی و رد هرگونه عقب‌نشینی بوده است. میگل دیاس-کانل، رئیس‌جمهور کوبا و برنسو رودریگز، وزیر خارجه، اقدامات آمریکا را تجاوز آشکار و ناقض اصول حقوق بین‌الملل دانسته‌اند. آنها هرگونه مذاکره پنهانی با معامله پشت‌پرده را رد کرده و تأکید دارند که تنها چارچوب قابل قبول برای روابط، احترام متقابل و برابری حاکمیتی است. دولت کوبا با وجود فشارهای شدید اقتصادی و تهدید شرکای تجاری‌اش بر روایت دفاع ملی در برابر یک قدرت خارجی متجاوز تکیه کرده و تلاش می‌کند، انسجام اجتماعی را حفظ کند. در سطح تحلیلی، آینده این بحران به مرز باریک میان جنگ اقتصادی و درگیری نظامی مستقیم گره خورده است.

ضمن استقبال از مسیرهای دیپلماتیک به‌صراحت اعلام کرده که آغازگر هیچ حمله‌ای نخواهد بود اما در صورت کوچک‌ترین تعرضی، آماده پاسخی قاطع و پشیمان‌کننده است. اما سد بزرگ در برابر این تلاش‌های دیپلماتیک، شروط سختی است که گفته می‌شود ترامپ برای توافق تعیین کرده است. روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی تحلیلی نوشته است که مطالبات ترامپ، مانع اصلی هرگونه پیشرفت به‌شمار می‌رود. به گفته دیپلمات‌ها و تحلیلگران، رئیس‌جمهور آمریکا خواستار «توقف دائمی همه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم ایران، پذیرش محدودیت‌های سخت بر برنامه موشک‌های بالستیک و پایان حمایت از جنبش‌های مقاومت منطقه‌ای از جمله حزب‌الله لبنان و جنبش انصارالله یمن» است. شروطی که یکی از دیپلمات‌ها درباره آن می‌گوید با وجود تمام تلاش‌ها، «پیشرفتی حاصل نشده است». فایننشال تایمز معتقد است که تهران این شروط را نه به‌عنوان مذاکره بلکه به‌مثابه «تسلیم» برداشت می‌کند و بر این موضع پافشاری دارد که هرگونه گفت‌وگو باید بر پایه برابری باشد و مذاکره تحت‌فشار یا از موضع ضعف را برنمی‌تابد.

بی‌اعتمادی میان تهران و واشنگتن، به‌ویژه پس از حمایت ترامپ از درگیری‌های نظامی در ماه ژوئن چنان عمیق شده که حتی میانجی‌گری قدرتمندی چون ترکیه را نیز با چالشی طاقت‌فرسا روبه‌رو کرده است. اهمیت سفر عراقچی به ترکیه در این برهه حساس بیش از هر چیز در زمان‌بندی دقیق آن نهفته است. درحالی که پنتاگون گزینه‌های نظامی را روی میز دارد و ایران بر توان موشکی و پهپادی خود به‌عنوان بازدارنده اصلی تکیه کرده، حاشیه خطا برای هر دو طرف به‌شدت محدود شده است. درحالی که در پایان این دیدارها، مقامات دولت ترکیه این مذاکرات را بسیار مثبت ارزیابی کردند، حضور وزیر خارجه ایران در استانبول حامل این پیام روشن است که ایران همچنان کانال ترکیه را به‌عنوان قابل‌اعتمادترین شریان دیپلماتیک خود می‌بیند. برای آنکارا نیز این بازی دو سر دارد: موفقیت در میانجی‌گری می‌تواند، جایگاه بین‌المللی ترکیه را به‌عنوان یک قدرت دیپلماتیک جهانی تثبیت کند اما شکست در این مسیر، ممکن است این کشور را مستقیماً در معرض ترکش‌های یک آتش‌افروزی منطقه‌ای قرار دهد. مسیر دستیابی به آرامش سرشار از موانع ساختاری است. عراقچی هم‌زمان با رایزنی‌ها از تریبون آنکارا برای محکوم کردن تحریم‌های اخیر اتحادیه اروپا علیه سپاه پاسداران استفاده کرده تا نشان دهد تهران حتی در اوج فشار بر معماری امنیتی و دفاعی خود ایستادگی می‌کند. در نهایت، غیرقابل پیش‌بینی بودن دولت ترامپ و اصرار او بر «اتفاق جامع» در تضاد آشکار با رویکرد گام‌به‌گام و مصلحت‌آمیز دیپلمات‌های ترک قرار دارد. با این حال نقش کنونی ترکیه شاید تنها سد موجود در برابر تبدیل شدن تنش‌ها به یک جنگ تمام‌عیار باشد؛ سدی که موفقیت‌اش نه با امضای یک معاهده بزرگ بلکه با توانایی‌اش در زنده نگه داشتن شعله گفت‌وگو سنجیده خواهد شد، تا روزی که دیگر حضور ناوگان‌های نظامی در سواحل منطقه، نه یک ضرورت باشد و نه یک تهدید.



راهبرد کنونی آمریکا بیشتر به یک محاصره همه‌جانبه شباهت دارد که هدف آن فروپاشی داخلی بدون شلیک مستقیم گلوله است. با این حال، حضور و فعالیت‌های منتسب به روسیه و چین در کوبا، از جمله همکاری‌های اطلاعاتی و دفاعی، سطح ریسک را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده است. اگر واشنگتن به این نتیجه برسد که رقبای راهبردی‌اش از بحران کوبا برای گسترش نفوذ نظامی خود استفاده می‌کنند، احتمال گذار از فشار اقتصادی به حملات محدود علیه زیرساخت‌ها یا بنادر افزایش خواهد یافت. در شرایط کنونی، جنگ بیش از آنکه در میدان نظامی جریان داشته باشد، در شبکه انرژی، نظام مالی و عرصه روانی دنبال می‌شود؛ اما ادبیات سیاسی دو طرف نشان می‌دهد که فاصله میان تقابل غیرنظامی و برخورد فیزیکی به طرز نگران‌کننده‌ای کاهش یافته است.

اروپا

بازگشت به اتحادیه اروپا

پاسخی به فشارهای آمریکا

معاون پارلمان گرینلند اعلام کرد این جزیره در حال بررسی امکان بازگشت به اتحادیه اروپا است؛ اقدامی که به گفته او می‌تواند، پاسخی به تهدیدهای اقتصادی و امنیتی احتمالی آمریکا باشد. «بنتیاراک اوتوسن» معاون رئیس پارلمان گرینلند در گفت‌وگو با خبرگزاری اسپوتنیک اعلام کرد این جزیره در حال بررسی گزینه بازگشت به اتحادیه اروپا به‌منظور مقابله با تعرفه‌های احتمالی اقتصادی آمریکا همچنین تهدیدهای امنیتی است. او گفت: «اگر با تعرفه‌های اقتصادی سنگینی از سوی آمریکا مواجه شویم، لازم است به اتحادیه اروپا روی بیاوریم؛ آن هم به دلایل امنیت ملی». اوتوسن یادآور شد، گرینلند در سال ۱۹۸۵ از اتحادیه اروپا خارج شد اما اکنون پارلمان این جزیره در حال بحث درباره امکان پیوستن دوباره به این اتحادیه است؛ چه به‌عنوان یک کشور مستقل و چه در چارچوب دانمارک. ترامپ در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا سوگند یاد کرد و گزارش نیویورک تایمز نشان می‌دهد که تماس وی با فردریکسن در ۷ ژانویه، یعنی پیش از مراسم تحلیف، نشان‌دهنده آن است که او از همان ابتدا بر «به‌دست آوردن» گرینلند پافشاری داشته است. رئیس‌جمهور آمریکا بارها گفته که گرینلند باید بخشی از ایالات متحده شود و دلیل آن را اهمیت راهبردی این جزیره برای امنیت ملی آمریکا و حضور ناتو در شمالگان عنوان کرده است. او همچنین کانادا را «ایالت پنجاهویکم آمریکا» خوانده است. گرینلند تا سال ۱۹۵۳ مستعمره دانمارک بود. این جزیره پس از کسب خودمختاری در سال ۲۰۰۹ همچنان بخشی از پادشاهی دانمارک باقی مانده اما اختیار خودگردانی و تعیین سیاست‌های داخلی خود را دارد. چندین کشور اروپایی، حمایت قاطع خود را از دانمارک و گرینلند اعلام کرده و هرگونه اشاره به اینکه آینده این جزیره توسط قدرت‌های خارجی تعیین شود را رد و بر لزوم احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی تأکید کرده‌اند.



ویترین: تازه‌های نشر

فرزندان تبعید

کریستین هیز در پیدایش یهودیت

سیر تاریخی این سنت دینی را روایت می کند

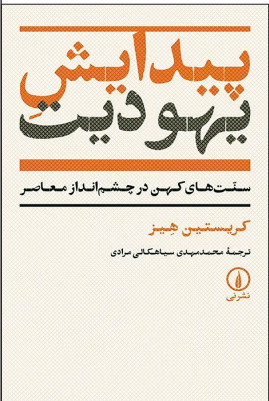


شد. بسیاری این رویداد را تحقق سخنان ارمیای نبی می‌دانستند که پیش‌گویی کرده بود تبعید پس از ۷۰ سال به پایان خواهد رسید. با این حال بین یهودیانی که در زمان تبعید در یهودیه باقی مانده بودند و یهودیان بازگشته از تبعید که گرچه کم‌شمار اما برخوردار از حمایت امپراتوری بودند، تنش زیادی وجود داشت. این «فرزندان تبعید» خودخوانده یهودیان محلی را «مردم سرزمین» می‌نامیدند، اصطلاحی تحقیرآمیز که از اساس یهودی بودن ایشان را زیر سوال می‌برد. در این دوران بر سر هویت یهودی و مرزهای جامعه یهودیه درگیری‌های تلخی جریان داشت. برخی محققان استدلال کرده‌اند که شاهنشاه هخامنشی در راستای سیاست برقراری ثبات از طریق اصلاحات محلی، دینی و قانونی از استقرار تورات به منزله قانون مصوب یهودیان حمایت کردند. برخی دیگر معتقدند چنین سیاستی وجود نداشته و علاقه ایرانیان به امور استان یهود موقتی و محلی بوده است. با این حال متن کتاب مقدس استقرار مرجعیت تعالیم موسوی را به دو شخصیت نسبت می‌دهد که ترتیب زمانی و رابطهٔ دقیق‌شان با دربار هخامنشی مشخص نیست؛ عزار و نحما.

گذار از یهودیت معبدمحور به یهودیت خاخامی

در ادامه کتاب «پیدایش یهودیت» گذار سرنوشت‌ساز «یهودیت معبدمحور» به «یهودیت خاخامی» پس از ویرانی معبد دوم در سال ۷۰ میلادی مطرح می‌شود. هیز توضیح می‌دهد که با از میان رفتن مرکز آیینی، سنت‌های تفسیری و نقش خاخام‌ها اهمیت محوری پیدا کرد و متونی مانند تلمود و میدراش به پایه‌های اصلی حیات دینی تبدیل شدند. مفاهیمی چون تورات مکتوب و شفاهی، هلاخا و قانون دینی در این دوره به‌صورت نظاممند شکل گرفتند. کتاب «پیدایش یهودیت» همچنین پیوند میان این تحولات کلاسیک و یهودیت معاصر را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد بسیاری از مباحث و چالش‌های امروز، ریشه در همین فرآیند تاریخی دارند.

کریستین هیز با بهره‌گیری از تازه‌ترین پژوهش‌ها و منابع دست‌اول نشان می‌دهد چگونه روایات، آیین‌ها و باورهای اسرائیلیان باستان در بستر تحولات سیاسی و فرهنگی خاور نزدیک شکل گرفتند و به مرور زمان به نظام دینی‌ای بدل شدند که نه‌تنها هویت یهودیان را تعریف کرد، بلکه بر مسیحیت و اسلام نیز اثر گذاشت. ترجمه و تفسیر متون مهم، کتاب‌نامهٔ مشروح، و واژه‌نامهٔ دقیق، این اثر را به مرجعی ارزشمند برای دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ ادیان ابراهیمی تبدیل کرده است.



پیدایش یهودیت

سنت‌های کهن در

چشم‌انداز معاصر

کریستین هیز

ترجمهٔ محمد مهدی

سیاه‌کالی مرادی

نشرنی

۲۸۲ صفحه

۴۸۰۰۰۰ تومان

ملی‌گرای معتدل

یادی از حمید مصدق در هشتادوششمین زادروزش

بار دیگر به ادامه تحصیل پرداخت و از دانشگاه تهران لیسانس حقوق و سپس فوق‌لیسانس اقتصاد گرفت.

نخستین منظومهٔ حمید مصدق با عنوان «درفش کاویانی» در سال ۱۳۴۰ منتشر و در همان سال توقیف شد؛ چاپ دوم آن در سال ۱۳۵۷ منتشر و بعد از انقلاب نیز به دفعات تجدید چاپ شد. بعد از آن شعرهای متعددی منتشر کرد که یکی از مشهورترین آن‌ها منظومهٔ «آبی، خاکستری، سیاه» بود که در سال ۱۳۴۴ منتشر شد. مصدق یکی از دلایل مقبولیت منظومه «آبی، خاکستری، سیاه» و تجدید چاپ مکرر آن را دوگانگی موجود در مفاهیم آن می‌دانست و معتقد بود در بیان مسائل اجتماعی اتکای صرف به شعار از سوی هنرمندان، ثمره‌ای جز نابودی و فراموشی آثار آنان در پی نخواهد داشت. او دربارهٔ بند پایانی این منظومه گفته است: «زمانی که منظومهٔ «آبی، خاکستری، سیاه» رو به اتمام بود، یک‌باره به این فکر افتادم که نکند دوستان و یاران دانشکده و دوران مبارزات سیاسی، کار مرا تمام‌شده بدانند و تصور کنند حمید مصدق عشق را یکسره بر عقاید و مسائل سیاسی و اجتماعی ترجیح داده است؛ این بود که آخر منظومه این‌چنین سرودم: تو مپندار که خاموشی من، هست برهان فراموشی من، من اگر برخیزم تو اگر برخیزی همه برمی‌خیزند …». در شعر حمید مصدق سادگی و صمیمیت را می‌توان دید که خود درباره آن گفته بود: «می‌خواستم شعرم برای مردم قابل درک باشد. می‌بایست شعر من برای آنان «تصورِ گر» و «احساس برانگیز» باشد؛ در غیر این صورت، خود، راضی نمی‌شدم. به‌طور کلی شعر جز این نیست، اگر شاعر نتواند در قالب واژه‌ها به مخاطبانش تصویر و احساس را منتقل کند، سروده‌اش شعر نیست.»

برخی از شعرهای حمید مصدق نیز در سال‌های مبارزه علیه پهلوی، توسط برخی از دانشجویان، در قالب سرودهایی اجرا شد که نوارهای کاست آن به‌صورت مخفی دست به دست می‌شد و با فضای منتهب انقلابی در سال ۵۷ واژه‌ها و اندیشه و شعر حمید مصدق نیز از درون کتاب بیرون جست و به میدان‌های آزمون رسید. او علاوه بر مشغله‌ای که با ادبیات داشت، به‌عنوان حقوق‌دان و وکیل نیز فعال بود و وکالت بسیاری از پرونده‌های سیاسی و غیرسیاسی هنرمندان نیمه نخست قرن گذشته را حمید مصدق به عهده داشته است.

حمید مصدق، ۱۰ بهمن ۱۳۱۸ در شهرضا اصفهان متولد شد و ۷ آذر ۱۳۷۷ در تهران از دنیا رفت. در دوران دبیرستان با منوچهر بدیعی، هوشنگ گلشیری، محمد حقوقی و بهرام صادقی هم‌مدرسه بود و با آن‌ها دوستی و آشنایی داشت. مصدق سال ۱۳۳۹ به تهران آمد، در مؤسسهٔ علوم اداری و بازرگانی دانشگاه تهران و در رشتهٔ بازرگانی تحصیل کرد. پس از فارغ‌التحصیلی در مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران به کار پژوهشی مشغول شد. از سال ۱۳۴۲

سینمای جهان

خافلگیری در اسکار

درباره فیلم گناهکاران که نامزد بیشترین جوایز اسکار ۲۰۲۶ است

ترسناک پرفروش و تحسین‌شده رایان کوگلر، تمام سال نقل محافل بود؛ فیلمی که بدبینان به صنعت سینما را برخلاف انتظارشان غافلگیر کرد و رکوردهای متعددی را شکست.

این همان فیلمی بود که قرار بود هالیوود را نابود کند: یک فیلم ترسناک خون‌آشامی درباره زندگی و زمانه جنوب عصر قوانین جیم کرو، با بازیگرانی عمدتاً سیاه‌پوست و فیلمبرداری با فرمت آی‌مکس ۷۰ میلی‌متری. رایان کوگلر، کارگردان تحسین‌شده‌ای که با مجموعه عظیم «پلنگ سیاه» مارول به شهرت رسید، به‌گمان بسیاری بیش از حد توانش جلو رفته بود؛ به‌خصوص که خودش گفته بود فیلم‌نامه را



نامزدهای اسکار ۲۰۲۶ به‌طور رسمی اعلام شده‌اند و اینکه «گناهکاران» امسال بر جوایز آکادمی سلطه پیدا کرده، اصلاً جای تعجب ندارد. این فیلم با ۱۶ نامزدی پینتاز است و رکورد بیشترین تعداد نامزدی اسکار برای یک فیلم را شکسته است. فیلمی که میزان موفقیت‌اش در رقابت‌های آکادمی اسکار، تقدای مثبت و منفی متعددی را به‌خود دیده است. وبسایت «نشنال ریویو» آمریکایی در نقد آکادمی و انتخاب این فیلم به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی مراسم دریافت جوایز امسال نوشت: «۱۶ نامزدی اسکار برای گناهکاران ساخته رایان کوگلر، نباید برای هیچ‌کس که متوجه افول آکادمی اسکار شده، غافلگیرکننده باشد. سرashیبی آکادمی از سال ۲۰۱۸ و بسا تغییر قواعد عضویت شتاب گرفت. از آن زمان به‌بعد، فیلم‌های ضعیف دست بالا را پیدا کرده‌اند. موفقیت قاطع «گناهکاران» در نامزدی‌های امسال، حمایت‌گرایی نژادی را به عاملی اجتناب‌ناپذیر بدل کرده است. این نتیجه استانداردهای شمول رادیکال آکادمی است که در سال ۲۰۲۰ برقرار شد.»

برای کسانی‌که شاید از دلیل موفقیت فیلم «گناهکاران» خبر ندارند، بد نیست یادآوری کنیم که این فیلم ترسناک درام‌محور در رشته‌هایی چون فیلمبرداری، جلوه‌های ویژه بصری، صدا، طراحی صحنه، موسیقی متن، ترانه اصلی، چهره‌پردازی و آرایش مو، تدوین، انتخاب بازیگر و طراحی لباس نامزد شده است. افزون بر این، فیلم نامزد بهترین فیلم نیز هست و چند تن از ستارگانش، مایکل بی. جردن، دلروی لیندو و وونمی موساکو به‌ترتیب در رقابت برای بهترین بازیگر نقش اول مرد، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد و بهترین بازیگر نقش مکمل زن قرار دارند.

بهترین فیلم فرهنگی سال؟

گاردین اما در گزارشی با عنوان: «چگونه گناهکاران به مهم‌ترین فیلم فرهنگی سال ۲۰۲۵ تبدیل شد؟» درباره این فیلم نوشت: فیلم

افسانه‌ی رو به افول

درباره جشنواره فیلم فجر که هر سال دریغ از پارسال

چهره‌های سرشناس

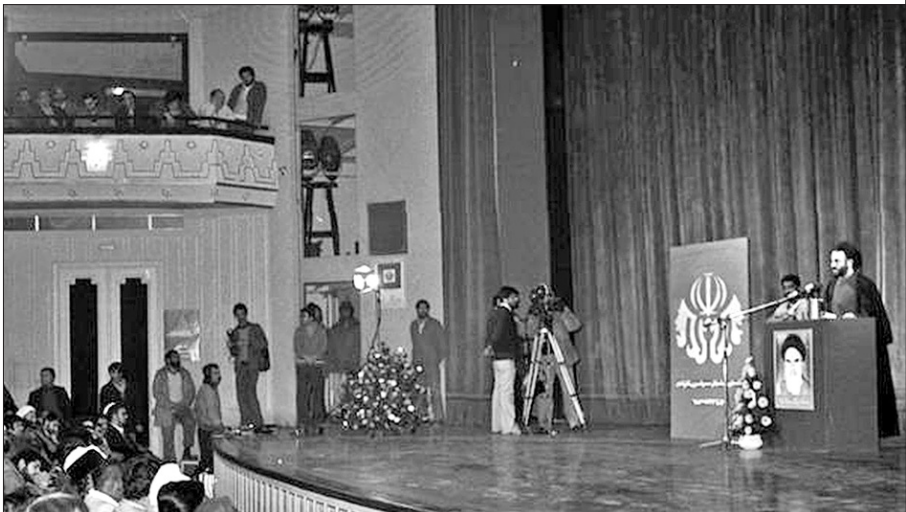
از نظر حضور کارگردانان سرشناس، اولین دوره جشنواره فیلم‌فجر یکی از جشنواره‌های خوب به‌حساب می‌آید. علی حاتمی، بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی، ایرج قادری و پرویز نوری از نام‌های مطرح این دوره بودند. جالب است که برخی از این فیلم‌ها بعد از نمایش در جشنواره توقیف شده و نتوانستند به اکران دربیانند ازجمله حاجی واشنگتن و خط قرمز. ضمن اینکه فیلم‌های سفیر به کارگردانی فریبرز صالح و اشباح ساخته محمدرضا میرلوحی از فیلم‌های مورد توجه نخستین دوره جشنواره بودند. هرچند همان‌طور که گفته شد، در این دوره هیچ‌کدام از فیلم‌های فیلمسازان شناخته‌شده نتوانست به بخش مسابقه راه پیدا کند و در عوض فیلم‌های آماتور مانند «پچه‌های دیار صفا»، «علمدار»، «خرم‌شهر ۶۸»، «با هم برای ایشان»، «یا زهر»، «کدام مکتب است این»، «خرم‌شهر شهر عشق، شهر خون»، «آمریکا نابود است» و «بر بال ملانک» در این بخش به‌نمایش درآمدند.

اما در مقایسه با نام‌هایی که چهل‌وسه سال بعد در جشنواره حضور پیدا کرده‌اند، می‌توان گفت از نظر وزنی این فستیوال کاملاً با افت مواجه شده است. رسول صدرعاملی بی‌تردید یکی از باتجربه‌ترین و موفق‌ترین فیلمسازانی است که از نسل دهه شصت در جشنواره ۱۴۰۴ با فیلم «قایق‌سواری در تهران» حضور دارد.

صدرعاملی ۷۱ساله، در سال ۶۱ و درحالی که هنوز به سی سالگی نرسیده بود، اولین فیلمش را به‌نام «رهایی» کارگردانی کرد. او دو سال بعد از آن، فیلم پر مخاطب «گل‌های داوودی» را ساخت. با این وجود در کنار صدرعاملی می‌توان به امیرشهاب رضویان، سروش صحت، محمدحسین مهدویان و منوچهر هادی اشاره کرد که در جشنواره چهل‌وپنجم به‌عنوان باتجربه‌ترین چهره‌ها حضور دارند.

چهل‌وپنجم سال جشنواره فجر

جشنواره فیلم‌فجر از اولین دوره، به‌عنوان اصلی‌ترین ویت‌ترین سینمای ایران مطرح شد. جشنواره‌ای که برخی از منتقدان آن را ترکیبی از جشنواره‌های مختلف دنیا می‌دانند. در جشنواره فجر برخلاف جشنواره‌ای مانند اسکار یا گلدن گلوب، فیلم‌ها قبل از اکران عمومی در جشنواره نمایش داده می‌شوند. اتفاقی که در جشنواره‌ای مانند کن رخ می‌دهد اما نکته اینجاست که اغلب آثار سینمای ایران برای معرفی به مخاطبان و دریافت نوبت اکران مناسب، بهترین مسیر را نمایش در جشنواره فیلم‌فجر می‌دانند. جشنواره‌ای که با وجود نزدیک شدن به بلوغ، تا ابتدای دهه هشتاد، با تغییر نگرش و مسیر، روند کاملاً متفاوت و جدیدی را پیدا کرده است. طی سال‌های اخیر و از ۱۴۰۰ به‌بعد به عقیده برخی از کارشناسان روند افول جشنواره، از نظر استقبال عمومی جامعه، حضور فیلمسازان بزرگ و معرفی استعداد‌های مطرح و البته برخورد رسانه‌ای آغاز شده است. باید دید فصل جدید جشنواره فیلم‌فجر امسال و در بهمن سال ۱۴۰۴ که کشور در شرایط کاملاً ویژه‌ای است، چطور برگزار شده و پیش می‌رود؟



فردا دوازدهم بهمن ۱۴۰۴، چهل‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر آغاز می‌شود. جشنواره‌ای که در روزهای میانی بهمن ۱۳۶۱ که کشور در اوج سال‌های ابتدایی جنگ هشت‌ساله بود، با اهداف و نگرشی کاملاً متفاوت نسبت به آنچه بود، شروع به‌کار کرد. از آن زمان که برگزارکنندگان جشنواره تصمیم گرفتند فقط فیلم‌های آماتور را به رقابت راه بدهند و بسیاری از بهترین فیلمسازان، آثارشان را در بخش غیررقابتی به نمایش درآوردند تا امروز که چهل‌وپنجمین دوره از آن گذشته، شرایط و حتی تفکر پشت جشنواره کاملاً تغییر کرده‌اند.

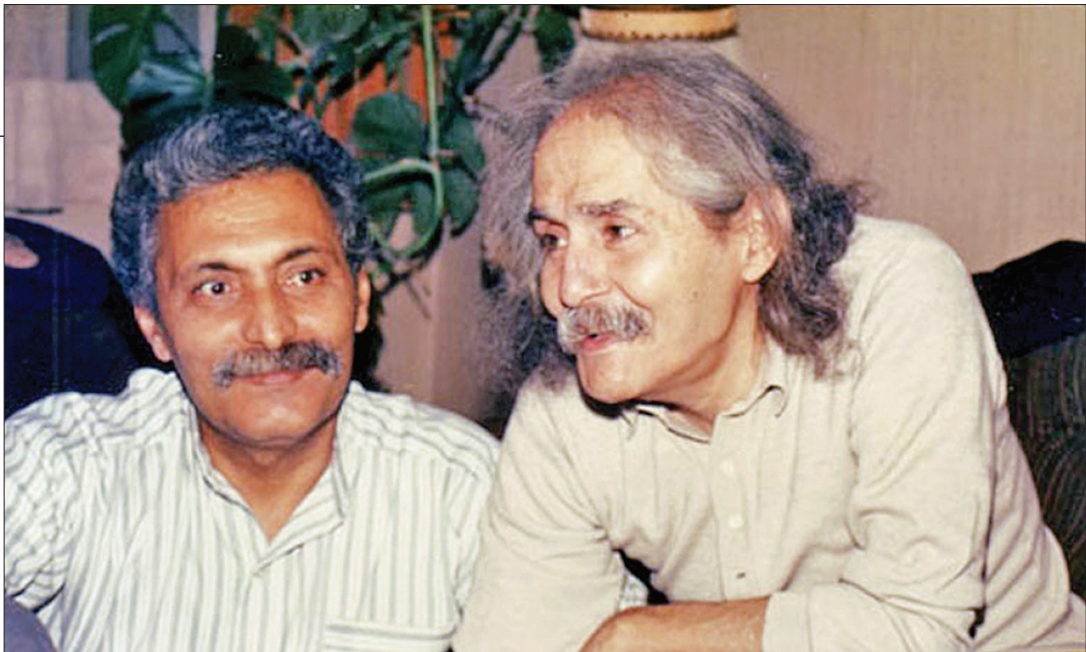
از نظر میزان بودجه!

حسین وخشوری که دبیر اولین دوره جشنواره فیلم‌فجر بود، در گفت‌وگویی که در سال ۱۳۹۹ انجام داد، مدعی شد که جشنواره فیلم‌فجر در اولین دوره برگزاری به درآمدزایی رسیده است. او همچنین گفت که بودجه برگزاری نخستین دوره جشنواره فیلم‌فجر ۳۷۵ هزار تومان بوده است. برای درک بهتر ماجرا باید بدانیم، قیمت سکه طلا در این سال ۳۲۰۰ تومان و قیمت دلار ۳۵ تومان بوده است. با وجود پایین بودن تورم و بالا بودن ارزش پول ملی اما بازهم جشنواره فیلم فجر یک جشنواره کاملاً ارزان‌قیمت بوده و با بیش از ۱۰هزار دلار برگزار شده است.

نکته جالب اینجاست که در سال ۱۴۰۴ بودجه سازمان سینمایی کشور ۷۰۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بوده است که چیزی بیشتر از چهار میلیون و هفتصد هزار دلار می‌شود. البته که این بودجه صرفاً برای برگزاری یک جشنواره فیلم‌فجر صرف نمی‌شود و جشنواره‌ها و برنامه‌های دیگری هم هستند، اما واقعیت این است که جشنواره فیلم‌فجر مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور است و احتمالاً بیشتر هزینه سازمان سینمایی نیز در این بخش خواهد بود. حالا این سوال پیش می‌آید که با وجود افزایش بودجه طی سال‌های اخیر چرا کم‌اکان میزان نارضایتی از کیفیت برگزاری جشنواره نیز افزایش می‌یابد؟

قیمت بلیت

آنچه سیات‌های فروش بلیت سینماها و فیلم‌های جشنواره اعلام کرده‌اند، قیمت بلیت‌های امسال برای هر فیلم ۱۰۰هزار تومان است. این در حالی است که در سال ۶۱ و در اولین دوره جشنواره فیلم‌فجر قیمت بلیت سینماها ۱۰تومان بوده است. نکته قابل توجه اینجاست که در اولین دوره جشنواره فیلم‌فجر، در نهایت یک میلیون تومان یعنی معادل فروش ۱۰۰هزار بلیت درآمدزایی شد. این موضوع با توجه به تعداد محدود سالن‌های سینما، جمعیت حدود ۴۰ میلیونی کشور و البته شدت جنگ در آن زمان، می‌تواند آمار قابل‌توجهی باشد. وخشوری دبیر اولین جشنواره فیلم‌فجر، درباره شرایط برگزاری آن دوره در سال ۱۳۹۳ گفت: «جشنواره فجر در ابتدا به شکل فعلی نبود و بیشتر به این دلیل برگزار می‌شد که سینماگران فعالیت یک‌ساله خود را به‌نمایش بگذارند. آن سال‌ها استقبال مردم از جشنواره هم بیشتر بود و در سینما «شهرقصه» و «شهرفرنگ» ازدحام جمعیت ایجاد می‌شد و این استقبال مردم هم در رسانه‌های خارجی منعکس می‌شد».



شعر بی‌دروغ

علی باباجاهی، شاعر و منتقد ادبی، گفته است: «شعر مصدق به این دلیل که بر شعرهایی در مقاطع خاص سیاسی ایران قبل از انقلاب و بر خصلت مبارزه مبتنی و متکی بود، به نحوی مقبول طبع قشری از جامعه که به‌صورت تخصصی با شعر سر و کار نداشتند افتاد و چون شعری بی‌دروغ محسوب می‌شد، با تصنع فاصله داشت و دارای خصلت‌های پیام‌رسانی نیز بود. به میان مردم و جامعه راه یافت.» بهرام پروین گنابادی، استاد دانشگاه هم حمید مصدق را انسانی عجیب و متمایز خوانده و گفته است: «شخصی مثل مصدق با این روحیه لطیف الهام‌پذیر، وکالت و دفاع را در دعاوی، با سرسختی برای حفظ حقوق موکلینش به عهده می‌گرفته است و این نشانگر قوت روح مصدق است.» سیمین بهبهانی هم معتقد بود شعر مصدق در عین ساده و صمیمی بودن از کسی تقلید نمی‌کند. زبان توصیفی، استعاری و روایی مصدق در بیان اشعارش باعث شده است که شعرهای او به‌سادگی در اذهان عامه رسوب کند و شعرهایش مورد استقبال دوست‌داران شعر و هنر باشد. حمید مصدق تا آخرین روزهای حیاتش در آذر ۱۳۷۷، همواره به رسالت فرهنگی‌اش وفادار ماند. او که سال‌ها در دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس اشتغال داشت، نه‌تنها علم حقوق، بلکه اخلاق و تعهد را به نسلی از نویسندگان و حقوق‌دانان آموخت. او در سال‌های پایانی عمر، با وجود بیماری، هم چنان در مجله کانون وکلا به تبیین پیوند میان فرهنگ، قانون و اخلاق مدنی پرداخت. کارنامه او نشان داد که می‌توان شاعری دل‌سوخته بود و در عین حال، از حقوق جامعه سخن گفت؛ می‌توان وکیل بود و در عین حال، قلبی آکنده از مهر انسانی داشت. او به ما آموخت که مسئولیت‌پذیری، اولین گام برای رسیدن به پیشرفت است. حمید مصدق شاعری بود که در هر شرایطی، قلمش را در دوآتِ امید می‌زد و برای اعتلای نام ایران می‌سرود.

شگرد شعری مصدق

شاید در ابتدا تضادی میان دنیای خشک ماده‌های قانونی و جهان رهای شعر به نظر آید، اما برای حمید مصدق، این دو قلمرو در خدمت یک هدف واحد بودند: «برقراری نظم و عدالت». تحصیلات عالی او در رشته حقوق و اقتصاد در ایران و سپس پژوهش‌های علمی در انگلستان، به ذهن او انضباطی بخشید که در هندسه دقیق اشعارش به‌وضوح دیده می‌شود. او به‌عنوان وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه، بر این باور بود که کلمه، گران‌بهاترین دارایی انسان است. از همین رو، وسواسش در انتخاب واژگان، هم در لویح حقوقی و هم در سروده‌های نیمایی‌اش، نشان از احترام عمیق او به ساخت «معنا» داشت. مصدق هیچ‌گاه اجازه نداد تبصره‌های قانونی، چشمهٔ خلاقیتش را بخشکانند، بلکه از حقوق برای فهم ساختارهای اجتماعی و از شعر برای بیان آرمان‌های والای بشری بهره برد.

از منظر نقد ادبی، حمیدمصدق را باید یکی از نوسرایان وفادار به اسلوب نیمایی دانست که توانست با امضای شخصی خود، این سبک را غنی‌تر کند. او با بهره‌گیری از تکنیک «ردیف‌های آغازین»، موسیقی درونی شعر نو را ارتقا داد. این تکرارهای هنرمندانه در ابتدای بندها، نوعی ضرب‌آهنگ تأکیدی ایجاد می‌کرد که علاوه بر گوش‌نواز کردن کلام، پیام محوری شعر را در ذهن خواننده تثبیت می‌کرد.

این شگرد، در کنار زبان ساده و بی‌پیرایه‌اش، باعث شد که اشعار بلند او به‌راحتی توسط توده‌های مردم بیشتر خوانده شود و در حافظه‌ها ماندگار شود. این تکرارهای موسیقایی در منظومه‌های بلند او، حکم لنگرگاهایی را داشت که خواننده را در میانت طوفان کلمات، به یک معنای واحد و منسجم متصل می‌کرد.

طرف دو ماه سرهم کرده است. وارنر برادرز، استودیویی که پشت بودجه نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلاری فیلم ایستاده بود، از نگاه خیلی‌ها عqlش را از دست داده بود؛ نه‌تنها به‌خاطر سرمایه‌گذاری کلان، بلکه به‌خاطر پذیرش شروطی بی‌سابقه که کنترل نسخه نهایی فیلم را به کوگل می‌داد و حقوق کامل اثر را پس از ۲۵ سال به او واگذار می‌کرد. گردانندگان هالیوود مطمئن بودند فیلم هرگز سودده نخواهد شد و این قمار بزرگ وارنر برادرز می‌تواند پایان سیستم استودیویی باشد. اما «گناهکاران» هرگز اجازه نداد این بدبینی‌ها به آن راه پیدا کند.

«گناهکاران» فیلمی ترسناک درباره فراز و فرودهای تجربه سیاه‌پوستان است. این فیلم در تعطیلات عید پاک اکران شد و معجزه رستاخیز خودش را رقم زد؛ با شتاب به فروش ۳۶۸ میلیون دلاری رسید و به پرفروش‌ترین فیلم اورجینال پانزده سال اخیر و دهمین فیلم بزرگ تاریخ سینمای آمریکا در رده‌بندی آثار بزرگسال تبدیل شد. بله، حتی بالاتر از «ترمیناتور ۲» و «خساری». در زمانی که میراث و فرهنگ سیاه‌پوستان بار دیگر زیر فشار شدید سیاسی قرار گرفته، «گناهکاران» بحث‌هایی هم‌نوا با روح زمانه درباره تاریخ سیاه‌پوستان، حذف فرهنگی و سیاست‌های صنعت سرگرمی برانگیخت.

اینکه «گناهکاران» با قدرت تمام برخلاف همه پیش‌بینی‌ها عمل



کرد و به شاخص‌ترین فیلم سال بدل شد بار دیگر گواهی است بر لمس طلایی منحصربه‌فرد کوگل. شاید نوشتن فیلمنامه دو ماه طول کشیده باشد، اما پشت آن سال‌ها پژوهش درباره فولکلور دلتا می‌سی‌سی‌پی، نشانه‌های فرهنگی پیش از جنگ داخلی و تاریخ بلوز قرار دارد.

کوگل مثل همیشه موفق می‌شود این لایه‌های ضخیم زمینه تاریخی و مضامین مذهبی مناظر را آنها را در دل فیلم بگنجانند، بی‌آنکه روایت بقای شبانه «گناهکاران» سنگین شود یا جلوی درخشش گروه بازیگران توانمندش را بگیرد. هیلی استانیفلد در نقش مری شگفتی‌آفرین است؛ شخصیتی آتقدردیق پرداخت‌شده که گویا او را به کشف‌هایی درباره پیشینه قومی خودش رسانده است. دلروی لیندو، که نقش نوازنده بلوز الکلی دلتا اسلیم را با وقار همیشگی بازی می‌کند، می‌گوید «گناهکاران» گذشته را به شکلی واکاوی می‌کند که بازیگران را به کارآگاهانی خصوصی بدل می‌سازد، «چون آدم در حال کشف جنبه‌هایی از تاریخ است که پیش‌تر یا پالایش شده، یا کاملاً پاک شده، یا کم‌اهمیت جلوه داده شده بود».

این درس‌های تاریخی در نهایت به نتایجی گسترده‌تر ختم می‌شوند که باورهای رایج هالیوود را به چالش می‌کشند. وونمی موساکو، زنی تیره‌پوست این تصور صنعتی را باطل کرد که نقش‌های زنانه جذاب فقط باید جوان، لاغر استخوانی و روشن‌پوست باشند. در همین حال، مایکل بی. جردن نشان داد که بسیار فراتر از یک ستاره خوش‌چهره است. با توجه به کارنامه بیست‌وچند ساله‌اش در آثار معتبر و اینکه این سومین همکاری او با کوگل است جردن بهترین بازی دوران حرفه‌ای‌اش را ارائه می‌دهد و در کنار آن، جک اوکانل که نقش مقابل را در قالب «رمیک»، شبگرد بازی می‌کند، پیوندی می‌زند میان ریشه‌های اولیه کوگل در بلوز و کنجکاوی صادقانه‌اش نسبت به موسیقی فولکلور ایرلندی.

«گناهکاران» فیلمی است که مخاطب را به حرف آورد؛ درباره تأثیری که بر آنها گذاشت، درباره اینکه چگونه این روزگار پرآشوب را توضیح می‌دهد، و درباره همه ظرفیت‌های بالقوه این جهان سینمایی، با وجود آنکه کوگلر «گناهکاران» را پروژه‌ای مستقل می‌داند. و پس از تمام تردیدهایی که کوگل هنگام اکران فیلم تحمل کرد، دیدن اینکه منتقدانی که زمانی موفقیت فیلم را با ستاره می‌نوشتند حالا با چاپلوسی دیر هنگام می‌پرسند «بعدش چیست؟»، نوعی عدالت شاعرانه شیرین است. کوگل در نامه قدردانی‌اش به تماشاگران «گناهکاران» نوشت: «من به سینما ایمان دارم. به تجربه تماشای فیلم در سالن سینما ایمان دارم. باور دارم این تجربه ستونی ضروری از جامعه است. دیدن واکنش شما به فیلم، من و بسیاری دیگر را که به این هنر باور داریم، دوباره جان بخشیده است».

گزارش اقتصادی

آرایش جدید ارزی

معاون ارزی بانک مرکزی تغییر کرد

همزمان با اعلام وضعیت جدید در سیاست ارزی، معاون ارزی بانک مرکزی هم تغییر کرد و به این ترتیب باید منتظر اعمال سیاست‌های جدید در حوزه ارز باشیم. رئیس کل بانک مرکزی طی حکمی، مهدی گودرزی را به سمت معاون ارزی این بانک منصوب کرد و همزمان به تشریح آخرین وضعیت ارز پرداخت.

رئیس کل بانک مرکزی با تشریح چارچوب سیاست جدید ارزی کشور، عملکرد دو هفته‌ای بازار تجاری ارز پس از یکپارچه‌سازی نرخ ارز را تشریح کرد و این دوره را نشانه‌ای از کاهش رانت، تعمیق بازار و افزایش کارایی سیاست ارزی دانست. عبدالناصر همتی در گفت‌وگویی با اشاره به الزامات قانونی و شرایط خاص اقتصادی کشور، تأکید کرد راهبرد ارزی بانک مرکزی مبتنی بر «شناور مدیریت‌شده» و اعمال کنترل‌های ضروری برای حفظ ثبات و جلوگیری از فساد است. همتی با استناد به ماده ۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، ماده ۴۴ قانون بانک مرکزی، ماده ۱۱ قانون برنامه پنجم‌ساله هفتم پیشرفت و بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، گفت: راهبرد ارزی بانک مرکزی مدیریت بازار ارز متناسب با متغیرهای بنیادین اقتصادی با حداقل نوسان حول روند است. به گفته وی، این رویکرد ضمن توجه به سطح ذخایر ارزی، باید رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی را حفظ کرده و از ایجاد بسترهای فساد در حوزه ارزی و تجاری جلوگیری کند. رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به شرایط تحریمی کشور و تشدید جنگ اقتصادی، تأکید کرد که در چنین فضایی، ابزارهای متعارف مداخله ارزی برای حفظ ثبات نرخ ارز کفایت نمی‌کند. به گفته همتی، اختلال در جریان‌های ارزی و محدودیت‌های نقل‌وانتقال پول، بانک مرکزی را ناگزیر به استفاده از مجموعه‌ای از کنترل‌های ارزی کرده است. وی تصریح کرد: در همین چارچوب، همگرا کردن نرخ‌های متعدد ارز و حرکت به سمت یک نظام یکپارچه ارزی در دستور کار قرار گرفت. همتی ثبت سفارش، تخصیص ارز، ثبت منشأ ارز، فعالیت نظام‌مند صرافی‌ها و کنترل حساب سرمایه را ازجمله مصادیق کنترل‌های ارزی برشمرد و افزود: این ابزارها نه با هدف محدودسازی فعالیت‌های سالم اقتصادی، بلکه برای شفاف‌سازی، کاهش رانت و مدیریت مؤثر بازار ارز به کار گرفته شده‌اند.

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به عملکرد بازار تجاری ارز در دو هفته گذشته گفت: در این مدت، مانده تخصیص ارز حدود سه برابر افزایش یافته و از ۱.۳ میلیارد دلار به ۳.۷ میلیارد دلار رسیده است. با این حال، مازاد تقاضای روزانه ارز که پیش‌تر حدود ۵۰۰ میلیون دلار بود، به حدود ۷۰ میلیون دلار مازاد عرضه تبدیل شده است. به گفته وی، این تحول عمدتاً ناشی از حذف رانت واردات و اصلاح سازوکارهای تخصیص ارز بوده است.

همتی البته تأکید کرد که بخشی از کاهش تقاضای ارز می‌تواند به نیاز فعالان اقتصادی به نقدینگی ریالی مرتبط باشد، اما در عین حال، رشد قابل‌توجه حجم معاملات در بازار تجاری ارز نشان‌دهنده تعمیق این بازار است. وی گفت: حجم معاملات روزانه بازار ارز تجاری از حدود ۸۰ میلیون دلار به ۱۵۰ میلیون دلار افزایش یافته که معادل رشدی نزدیک به ۵۰ درصد است و این امر بیانگر نقش محوری بازار تجاری در مدیریت یکپارچه بازار ارز کشور است. به گفته رئیس کل بانک مرکزی، در این دوره دو هفته‌ای، مجموع ارز مبادله‌شده در بازار تجاری معادل ۲.۷۵ میلیارد دلار بوده است. وی افزود: ارزهای عرضه‌شده در این بازار صرفاً از سوی صادرکنندگان غیرنفتی تأمین شده و میانگین قیمت دلار در محدوده ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار تومان قرار داشته است. این موضوع از نگاه همتی نشان‌دهنده فعال شدن ظرفیت صادرات غیرنفتی در چارچوب نظام جدید ارزی است. همتی همچنین تمرکز اصلی بانک مرکزی را بازگشت ارز حاصل از صادرات عنوان کرد و گفت: ایجاد مشوق‌ها و رفع موانع در مسیر بازگشت ارز صادراتی، یکی از اولویت‌های اصلی سیاست ارزی است. به اعتقاد وی، این رویکرد در کوتاه‌مدت موجب افزایش معنادار عرضه ارز در چرخه تجاری کشور می‌شود و در بلندمدت می‌تواند به رشد صادرات و تقویت توان ارزی اقتصاد منجر شود. رئیس کل بانک مرکزی در پایان با اشاره به سیاست‌های حمایتی دولت اعلام کرد: تاکنون بیش از ۲۷ میلیون خانوار از یارانه کالابزرگ استفاده کرده‌اند و مجموع پرداختی در این قالب به ۷۸.۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. به گفته وی، این سیاست با هدف حمایت از معیشت خانوارها و تأمین کالاهای اساسی در کنار اصلاحات ارزی اجرا شده و مکمل سیاست‌های ثبات‌ساز در اقتصاد کشور است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

پرهزینه اما ناگزیر

چرا حذف ارز ترجیحی کار درستی است؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

تخصیص ارز ترجیحی در دولت‌های گذشته در عمل پیامدهای منفی متعددی به‌همراه داشت که نتنها به حمایت مؤثر از اقشار کم‌درآمد منجر نشد بلکه زمینه‌ساز رانت، فساد و هدررفت منابع ارزی کشور شد. با تخصیص ارز ترجیحی چند اتفاق رخ می‌داد. نخست آنکه عده قابل‌توجهی از واردکنندگان به پیش‌اظهاری واردات اقدام می‌کردند. پیش‌اظهاری به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن قیمتی که واردکننده برای دریافت ارز اظهار می‌کرد و در فاکتور فروشنده ارائه می‌داد، بالاتر از قیمتی بود که کالا واقعاً با آن از فروشنده خارجی خریداری شده بود. همچنین ارز مازاد به حساب فروشنده در خارج منتقل و به این ترتیب ارز با قیمت ترجیحی از کشور خارج می‌شد. این ارز یا در حساب‌های خارجی واردکنندگان نگهداری می‌شد یا در داخل با نرخ آزاد به متقاضیان فروخته می‌شد و سود قابل‌توجهی نصیب واردکنندگان می‌کرد. دوم آنکه همه کالاهای وارد شده با ارز ترجیحی الزاماً وارد کانال‌های رسمی توزیع نمی‌شد و یا از مسیرهای مختلف با نرخ بازار آزاد به دست مردم می‌رسید. سوم آنکه کالاهایی که با ارز ترجیحی وارد می‌شدند به کشورهای همسایه قاچاق می‌شدند. هزینه تمام‌شده کالای وارداتی با ارز ترجیحی برای واردکنندگان پایین‌تر از قیمت همان کالاها در بازارهای خارجی بسا ارز آزاد بود. در نتیجه واردکننده با شبکه‌های توزیع، بخشی از کالاهای اساسی را به کشورهای همسایه قاچاق می‌کردند و از این طریق بخشی از ارز ترجیحی تخصیص‌یافته برای کمک به مردم به‌صورت غیرمستقیم و از مسیر قاچاق از کشور خارج می‌شد و علاوه بر سودآوری برای قاچاقچیان، کشورهای همسایه را نیز از ارز ترجیحی تخصیصی منتفع می‌کرد. چهارم آنکه واردکنندگانی که موفق به دریافت ارز ترجیحی می‌شدند بدون آنکه نوآوری خاصی داشته باشند یا ارزش افزوده معنادار و خدمات ارزنده‌ای ایجاد کنند به‌سرعت و از محل رانت ناشی از ارز ترجیحی ثروتمند می‌شدند. این افراد در مدت‌زمانی کوتاه به ثروت‌های کلان دست می‌یافتند. جداییست ارز ترجیحی و ثروتی که از طریق این رانت بزرگ ایجاد می‌شد، بسیاری از فعالان اقتصادی را وسوسه و تشویق می‌کرد تا به‌دنبال دریافت ارز ترجیحی بروند و در صف واردات کالا یا ارز ترجیحی با ارزهای ارزان‌تر از ارز آزاد قرار گیرند. به همین دلیل، صف متقاضیان ارز ترجیحی با ارزهای ارزان‌تر از ارز آزاد روزبه‌روز افزایش می‌یافت. پنجم آنکه افرادی که از این مسیر ثروتمند شده بودند، بخشی از سود کلان خود را صرف پرداخت رشوه برای دریافت مجوزهای بعدی و شکل‌گیری و تداوم فساد می‌کردند. ارز ترجیحی سیستمی ایجاد کرده بود که در آن واردکنندگان با پیش‌اظهاری و فروش کالا با قیمت‌های بالا ثروت کلانی به‌دست می‌آوردند و بخشی از این ثروت را نیز برای فاسد کردن سیستم هزینه می‌کردند. چنین وضعیتی می‌توانست در سپهر رسانه‌ای فضایی ایجاد کند که در آن احاد جامعه به‌اشتباه تصور کنند سیاست ارز ترجیحی، سیاستی مناسب برای حمایت از اقشار کم‌درآمد است و باید مانع حذف آن شد.

استمرار این سیاست، انگیزه لازم برای افزایش تولید و بهره‌وری را از میان می‌برد. در شرایطی که تولید با دشواری‌ها و مشکلات متعدد همراه است، اگر سیستم اقتصادی به‌گونه‌ای طراحی شود که افراد بتوانند با اتکا به ارز ترجیحی به‌سرعت به ثروت دست یابند، انگیزه سرمایه‌گذاری مولد کاهش می‌یابد. زمانی که کالاهایی با ارز ترجیحی وارد می‌شود و بخشی از آنها بر اساس همین ارز در بازار توزیع می‌شود، تولید داخلی آسیب می‌بیند. علاوه بر این در دوره‌ای که ارز چندنرخه بود صادرکنندگان مجبور بودند، درآمد حاصل از صادرات خود را با نرخ کمتر از نرخ بازار آزاد عرضه کنند. در چنین شرایطی، زمانی که صادرکننده قیمت ریالی کالای خود را با ارزی کمتر از نرخ آزاد به ارز خارجی تبدیل می‌کرد، قیمت محصول او در بازارهای



خارجی بالاتر قرار می‌گرفت و رقابت با کالاهای مشابه خارجی دشوارتر می‌شد. صادرکنندگان به‌جای آنکه ارز حاصل از صادرات را با قیمت آزاد بفروشند، ناچار بودند آن را با نرخ‌هایی پایین‌تر از بازار آزاد عرضه کنند. در نتیجه، صادرات صرفه اقتصادی خود را از دست می‌داد و صادرکنندگان به کم‌اظهاری صادرات تشویق می‌شدند تا بخشی از ارز حاصل از صادرات را در خارج از کشور نگه دارند و با فروش آن به نرخ آزاد از زیان خود بکاهند یا حداقل صادرات را زنده نگه دارند. بر همین اساس، صادرات ارزآور محدود می‌شد. به‌طور کلی، ارز ترجیحی ضربه سنگینی به تولید داخلی وارد می‌کرد. تصور کنید تولیدکنندگان نهاده‌های دامی در داخل کشور در حال فعالیت هستند اما دولت با تخصیص ارز ترجیحی به واردات نهاده‌های دامی عملاً می‌تواند، زمینه ورشکستگی این تولیدکنندگان و وابستگی هرچه بیشتر کشور به نهاده‌های وارداتی را فراهم کند. در برخی اقتصادها مانند چین، سیاستگذار تلاش می‌کند، قیمت پول ملی را در سطحی پایین نگه دارد. هدف این کشور از پایین نگه داشتن ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی، افزایش صادرات و تسهیل رقابت تولیدکنندگان داخلی در بازارهای جهانی است. در مقابل، ایران با اعطای ارز ترجیحی سیاستی معکوس را دنبال و تولید و ورود ارز را محدود می‌کند. نبعات ارز ترجیحی از جمله پیش‌اظهاری واردکنندگان، کم‌اظهاری صادرکنندگان، قاچاق کالا و محدود شدن تولید صادرات‌محور موجب خروج ارز از کشور می‌شد و در نهایت نیز مصرف‌کنندگان از منافع آن بهره‌مند نمی‌شدند.

چنانچه سیاستگذار بخواهد، اقتصاد مسیر رو به جلو را طی کند و انگیزه سرمایه‌گذاری افزایش یابد و در نهایت رشد

اقتصادی محقق شود، دولت ناگزیر است مسئله تحریم‌ها و مبادلات بانکی با خارج از کشور را حل‌وفصل کند. تحریم‌ها و فشاری که از محل تحریم و نبود مبادلات بانکی بین‌المللی بر پیکره اقتصاد وارد می‌شود، سیستم اقتصادی را در وضعیت ضعف و رکود نگه می‌دارد. با این حال حتی در شرایط تحریمی نیز حذف ارز ترجیحی، سیاستی درست و قابل اتکا بود که به هر حال باید اجرا می‌شد هرچند باید تأکید کرد که همه مشکلات اقتصادی صرفاً با حذف ارز ترجیحی حل نخواهد شد. سیاستگذار ناگزیر است در کنار این اقدام، مسئله تحریم و روابط خارجی را نیز سامان دهد. تحریم‌ها باعث می‌شود، واردات به فعالیتی پرهزینه تبدیل شود و بازارهای صادراتی کوچک‌تر شوند. سازوکار تحریم انتقال پول را پرهزینه کرده و مسیرهای تجارت را محدود می‌کند. نگرانی دیگر، کسری بودجه دولت است. دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی اترتاق می‌کنند، بزرگ و حجیم هستند و درآمدهای دولت پاسخگوی هزینه‌ها نیست. در چنین شرایطی، کسری بودجه دولت را ناچار می‌کند به استقراض از بانک مرکزی یا انتشار اوراق بدهی روی آورد و در آینده اصل و بهره این اوراق را پرداخت کند. همه این موارد به افزایش هزینه‌ها منجر می‌شود آن هم درحالی که منابع درآمدی دولت نیز کاهش یافته است. زمانی که اقتصاد تضعیف شده و به‌دلیل تحریم‌ها و نااطمینانی‌ها فعالیت گسترده‌ای شکل نمی‌گیرد، پایه‌های مالیاتی نیز کوچک می‌شود. درآمدهای دولت عمدتاً از محل فروش نفت و مالیات تأمین می‌شود؛ تحریم‌ها درآمدهای نفتی را کاهش داده و وصول آن را

با مشکل مواجه کرده‌اند. درآمدهای مالیاتی نیز با تضعیف اقتصاد کاهش می‌یابد؛ تولیدکنندگان با بخشی از ظرفیت خود فعالیت می‌کنند و کسب‌وکارها در رکود به سر می‌برند. درآمد مردم کاهش یافته و تقاضای کل در بازار افت کرده و اقتصاد از رونق فاصله گرفته است. در نتیجه، آحاد جامعه با کاهش درآمد مواجهند و درآمدهای مالیاتی و مجموع درآمدهای دولت کاهش می‌یابد درحالی که هزینه‌های دولت کاهش پیدا نمی‌کند. تورم دولت را ناچار می‌کند پایه حقوق و دستمزدها را افزایش دهد. مجموعه این عوامل به افزایش تورم منجر می‌شود و تورم نیز بی‌ثباتی اقتصادی را تشدید می‌کند. مازاد تورم داخلی نسبت به تورم کشورهای طرف معامله، نرخ ارز آزاد را افزایش می‌دهد. هرچند دولت به مردم کالابزرگ اختصاص داده است اما با افزایش نرخ ارز آزاد، بخشی از فشار افزایش قیمت‌ها به مردم منتقل می‌شود اگرچه ممکن است، پرداخت‌های دولت از محل کالابزرگ نیز افزایش یابد. دولت باید هزینه‌ها و سایر پرداخت‌های بودجه عمومی را کاهش دهد و نهادهای دولتی و غیردولتی غیرکارآمد را حذف، ادغام یا کوچک‌سازی کند. البته بودجه نهادهایی مانند آموزش و پرورش که مسئول تربیت نسل آینده کشور هستند، قابل کاهش نیست. وجود دستگاه‌های موازی هزینه‌ها و سرانه خدمات را افزایش می‌دهد و به همین دلیل دولت باید به‌تدریج بودجه این نهادها را کاهش دهد تا در نهایت امکان حذف آنها فراهم شود. اگر چنین اصلاحاتی انجام نشود، کسری بودجه و تورم ناشی از آن همچنان پابرجا می‌ماند و شرایط اقتصادی وخیم‌تر می‌شود. در چنین وضعیتی، تداوم ارز ترجیحی به‌هیچ‌وجه تصمیمی عاقلانه نیست زیرا ادامه آن صرفاً دامنه مشکلات اقتصادی را گسترش می‌دهد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۳۱و۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه علی آباد میر پلاک ۳۳ اصلی بخش ۲ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۳/۴۰۶۵
رای شماره ۱۳۹۰/۷۰۵۱۶۶۱۰۰۰۷۰۵۱۶۶۱ پلاک ۳۳۵۲ فرعی آقای اکبر اسکافی فرزند بهزاد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین (کاربری کشاورزی) به مساحت ۱۸۰/۰۰ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از آقای بهزاد اسکافی

لذا به موجب ماده ۳۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی /اکثیرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نویتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید . **شناسه آگهی: ۲۱۰۷۵۴۷**
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
علی اکبر مقدسی فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۳۱و۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه آستانکروند پلاک ۳۳ اصلی بخش ۲ بیلاقی کلاسه ۱۴۰۳/۳۵۰۲
رای شماره ۱۳۹۰/۷۰۵۵۰۲۹۰۰۰۷۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۴۶۰۳۱ فرعی آقای جواد آزاد فرزند نبی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای ادحائی (کاربری مسکونی – کشاورزی – حریم تاسیساتی راه) به مساحت ۳۴۱۴/۱۷ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از آقای قدیر سعیدپور

لذا به موجب ماده ۳۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی /اکثیرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نویتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید . **شناسه آگهی: ۲۱۰۳۲۸۵**
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
علی اکبر مقدسی فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

سپیدپوشان، سیاهپوش شدند

تأیید رسمی جانباختن دانشجویان پزشکی در اتفاقات اخیر



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

با گذشت هفته‌ها از حوادث و ناآرامی‌های دی‌ماه، سرانجام سکوت مقامات صنفی درباره سرنوشت کادر درمان بازداشتی شکسته شد. در تازه‌ترین داده‌های دریافتی از سازمان نظام پزشکی کشور، نشان‌دهنده ابعاد جدیدی از وضعیت جامعه سلامت است. دیروز اعضای مجمع عمومی سازمان نظام پزشکی از واقعیتی تلخ پرده برداشته‌اند: جان‌باختن تعدادی از دانشجویان پزشکی و پرستاری در جریان اعتراضات اخیر.

آمار بازداشتی‌ها؛ تمرکز بر تهران، اصفهان و قزوین
طبق آخرین آماری که تا امروز به‌دست سازمان نظام پزشکی رسیده، محمد میرخانی، معاون اجتماعی و پارلمانی این سازمان، تعداد پزشکان بازداشتی را «کمتر از ۱۵ نفر» اعلام کرده است.

اگرچه او تأکید دارد که دسترسی به آمار رسمی و موثق در پرونده‌هایی با بار امنیتی به سهولت ممکن نیست اما این رقم براساس صحت‌سنجی اخبار واصله از بیمارستان‌ها و گزارش‌های همکاران جمع‌شده است. میرخانی به صراحت می‌گوید که این دستگیری‌ها، ارتباطی به مداوای مجروحان در مراکز درمانی نداشته و پزشکان بازداشت شده نیز مانند سایر اقصایار مردم به دلیل حضور در ناآرامی‌های خیابانی تحت پیگرد قرار گرفته‌اند.

صالحی نجف‌آبادی، عضو مجمع عمومی سازمان نظام پزشکی، با تأیید بازداشت حداقل یک پزشک در اصفهان از گزارش‌های مشابهی در قزوین خبر می‌دهد. هرچند او خاطرنشان کرد که در شهر نجف‌آباد موردی از بازداشت پزشکان ثبت نشده اما پراکندگی دستگیری‌ها در سطح کشور

ادامه یادداشت روز

وقت سیاست

در جنگ ۱۲ روزه یک جنگ خارجی بر ایران تحمیل شد اما جنگ خارجی در مقام دفاع ملی و انسجام داخلی بدل می‌شود و ناسیونالیسم را تقویت می‌کند؛ درحالی که جنگ داخلی به شکاف ملی و جنگ همگانی بدل می‌شود. در چنین شرایطی، وظیفه سیاستمداران و روشنفکران ملی، سیاست‌ورزی نه به‌معنای رقابت سیاسی و انتخاباتی که به‌معنای راه برو‌رفت از بحران، پیش‌بینی آینده و ارائه راه آشتی ملی است.

آمار جان‌باختگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ حتی در روایت رسمی چنان دردناک است که نمی‌توان به‌سادگی آن را رها کرد. از بحث قصور و تقصیر اما مهم‌تر، شکافی است که این اعتراضات نه میان ملت و حکومت که حتی میان ملت و ملت پدید آورده است. در جنگ ۱۲ روزه، شه‌های جنگ به‌خصوص در میان شهروندان عادی، شهدای ملی بودند چون به تیر اسرائیل شهید شده بودند اما در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ حتی در بیان آمار رسمی یک سه‌ضلعی میان جان‌باختگان عادی، امنیتی و حرفه‌ای شکل گرفت که خود گویای یک شکاف ذهنی است.

ممکن است این نزاع داخلی به نزاع خارجی بدل شود تا جایی که شناخت دوست و دشمن ناممکن شود و همه به همه بدبین شوند و وعده انتقام بدهند. خوی انتقام‌جویی از هم‌اکنون در میان گروه‌هایی از جامعه به چشم می‌خورد که نه از منظر فردی که از نگاه اجتماعی نگران‌کننده است. این دیدگاه در میان پادشاهی‌خواهان به شیوه عجیبی شبیه انقلابیون در سال ۱۳۵۷ شده است و آنان را بیشتر شبیه مجاهدین خلق می‌سازد تا لیبرال‌ها و محافظه‌کارانی که امروزه سلطنت‌طلبان مدعی مشروطه‌خواهی به شیوه آنان هستند. بدیهی است که زمینه این خشم را باید در کاهش مشارکت و رقابت در انتخابات از سالال ۱۳۹۸ بدین‌سو، ناکارآمدی بلکه بی‌دولتی در قوه مجریه، بحران نمایندگی در قوه مقننه و چالش‌های دادرسی در قوه قضائیه دانست. متأسفانه دین‌ستیزی موجود هم ریشه در عملکرد برخی دینداران دارد که دین را به ایدئولوژی بدل کردند و حوزه خصوصی را دنوریدند

نشان‌دهنده درگیر شدن بدنه تخصصی نظام سلامت در بطن حوادث اخیر است.

رمزگشایی از علت دستگیری‌ها؛ درمان یا حضور در ناآرامی؟

یکی از نقاط کلیدی و پرابهام در گزارش‌های اخیر، اختلاف‌نظر جدی بر سر علت دستگیری‌هاست. مقامات رسمی سازمان نظام پزشکی با لحنی احتیاط‌آمیز تلاش دارند هرگونه ارتباط میان بازداشت‌ها و «وظایف درمانی» را نفی کنند. میرخانی معتقد است جامعه پزشکی همیشه بدون رویکرد سیاسی به وظیفه انسانی خود عمل کرده و دستگیری‌ها صرفاً ناشی از حضور در تجمعات بوده است. اما در سوی دیگر یاسر نجف‌آبادی، دیگر عضو مجمع عمومی سازمان از وجود ادعاهایی در فضای مجازی و محافل تخصصی سخن می‌گوید که بر اساس آنها، برخی پزشکان تنها به جرم وفاداری به سوگند بقراط و درمان معترضان مصدوم بازداشت شده‌اند. نجف‌آبادی با اشاره به پرونده یک پزشک در قزوین و موارد مشابه، اعلام کرد که تحقیقات برای مستندسازی این ادعاها همچنان ادامه دارد. اگر ثابت شود که درمان مصدوم، وجهه مجرمانه پیدا کرده، نظام سلامت با بحران بی‌سابقه‌ای در اخلاق حرفه‌ای روبه‌رو خواهد شد؛ چراکه طبق سوگندنامه پزشکی، درمان حق شهروندی همه مردم است و نباید با متر و معیار سیاسی سنجیده شود.

بن‌بست شایعات و رد قاطع شایعه اعدام

همزمان در پی اوج‌گیری اخبار نگران‌کننده مبنی بر صدور احکام سنگین و حتی اعدام برای برخی از اعضای کادر درمان، محمد رئیس‌زاده، رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران، به‌طور مستقیم وارد میدان شد تا به شایعات پایان دهد. او با اشاره به اینکه شخصاً پرونده‌های حساسی مانند

و به تمایزات نسلی توجه نکردند.

به بن‌بست رسیدن و فرسایشی شدن دکترین مذاکراتی کشور نیز در این بحران نقش دارد و البته این مسائل انباشته شده محدود به یک جناح حکومت نیست و همه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در آن نقش دارند. حتی روشنفکرانی که بر نظریه عدم خشونت اصرار می‌کردند هم در این ناکامی نظری و بازگشت خشونت به خیابان اگر مقصر نباشند، قصور دارند و بدیهی است که نهادهای حفاظتی در مورد نیروهای انتظامی و امنیتی هم باید آسیب‌شناسی جدی کنند که چگونه این همه مسئله امنیتی در کف خیابان به‌وجود آمده است؟ در چنین شرایطی ترک سیاست عین بی‌مسئولیتی است. سیاست فقط محدود به انتخابات نیست. موضوع اساسی، سیاست ساخت ملت-دولت است. باید درباره حقوق اساسی ملت و اساس نهاد دولت فکر کرد و به حاکمیت و اپوزسیون و از هر دو مه‌تر به ملت راه نشان داد. البته بدیهی است احزاب سیاسی موجود با قواعد موجود نمی‌توانند، کارایی لازم را داشته باشند. دوره سیاست‌ورزی تفتنی و تخیلی و فرصت‌طلبانه و منفعت‌طلبانه سپری شده است.

اینکه بعد از نیم‌قرن مفهومی که ملت ایران علیه آن انقلاب کرده بود به‌صورتی رادیکال از خاک برخاسته است یک مسئله گفتمانی است. با مسئله گفتمانی نمی‌توان برخورد امنیتی کرد. در نبود همه رقیبان درون گفتمانی، حاکمیت باید از رقبیان جدی خود برای حضور در جامعه و در میان مردم دعوت کند و فرصتی که پس از جنگ ۱۲ روزه از دست داد را در یابد و به‌جای تمرکز بر مسائل داخلی، آن انسجام ملی را احیا کند. این کار در سه مرحله باید صورت گیرد:

اول، اتخاذ تصمیم در سیاست خارجی، نه برای تسلیم که برای پایداری کشور در معادله‌ای که هم توان بازدارندگی دفاعی ایران حفظ شود و هم جنگ نشود، هدف نهایی این دیپلماسی فعال هم باید لغو تحریم‌ها و بهبود اقتصاد کشور باشد که بر هر رابطه خارجی مقدم است.

پرونده پزشک قزوینی را پیگیری کرده و با مقامات ارشد قضایی استان‌ها گفت‌وگو داشته است، اعلام کرد: «تا این لحظه هیچ حکمی برای هیچ‌یک از اعضای جامعه پزشکی صادر نشده و تمامی پرونده‌ها همچنان در مرحله تحقیقات و بازرسی قرار دارند». رئیس‌زاده بسا دفاع از عملکرد «جهادی» کادر درمان در رسیدگی به تمامی مصدومان حوادث اخیر، تأکید کرد که سازمان نظام پزشکی بر تمامی مراحل قضایی نظارت دارد تا از حقوق صنفی بازداشت‌شدگان صیانت کند. او انتشار اخبار مربوط به اعدام را «شیطنت رسانه‌ای و رفتار هیجانی» خواند و از بدنه درمان خواست تا تنها بر اساس اخبار رسمی عمل کرده و تحت‌تأثیر جوسازی‌های غیرواقعی قرار نگیرند.

واقعیت تلخ؛ جان‌باختن دانشجویان و کادر درمان

شاید تلخ‌ترین بخش، تأیید رسمی خبر جان‌باختن تعدادی از دانشجویان پزشکی و پرستاری باشد. یاسر نجف‌آبادی با تأیید این خبر تلخ اعلام کرد که در بررسی آمارها متأسفانه نام تعدادی از دانشجویان و کادر درمان در میان جان‌باختگان

دوم. عبور از بحران در سیاست داخلی با همدلی راستین با همه جان‌باختگان و التیام دردهای آنان. برای جبران این وضعیت به‌جای یاری گرفتن از دیگران، استفاده از نهادهای مدنی مستقل مانند کانون وکلا، انجمن روزنامه‌نگاران، نظام پزشکی، خانه احزاب و شوراهای شهر در همه جای کشور ضروری است و البته بازسازی نهاد جدواسیم‌ها به‌صورت ساختاری و اجازه دادن به رسانه‌های مستقل هم سخنی تکراری اما الزامی است. سوم. اما در نهایت در انتهای این پروسه باید به احیای سیاست پرداخت که متأسفانه در میانه جنگ‌های داخلی ناپود شده است. احیای سیاست در اینجا اعم از انتخابات است اما می‌تواند در نهایت با گذار از معضلات دیپلماتیک و اقتصادی و انسانی ما را دوباره به مسیر اصلی بازگرداند و پیش‌فرض این کار همان است که هابز نوشته: احیای دولت تأسیسی (common wealth by institution)که به ایجاد لویاتانی پاسخنکو منجر می‌شود یا تدوین یک پیمان اجتماعی جدید که هابز آن را دولت اکسایبی (common wealth by acquisition) می‌نامد.

هر یک از این دو راه، حتی با ظرفیت‌های حقوقی موجود ممکن است و ما راهی جز این دو نداریم. باید دوباره یک ملت شویم و این فقط با انعقاد یک پیمان مدنی ممکن است و احزاب سیاسی باید این مسئولیت را میان ملت و دولت برعهده گیرند به شرطی که با دخالت خارجی، تجاوز نظامی و هر نوع استبداد سیاسی، مرزبندی داشته باشند و مردم هم مطمئن باشند پس از رأی دادن به برنامه‌های آنان، فراموش و رها نمی‌شوند و همواره پاسخگو و قابل نقد و عزل هستند و حکومت را به ارث نمی‌برند و قدرت را به‌صورت موقت به امانت در اختیار می‌گیرند.

در واقع اصلاح‌طلبی سیاسی باید به اصلاح‌طلبی حقوقی بدل و راحل‌های مقطعی به راحل‌های دائمی بدل شود. در این شرایط است که می‌توان گفت، سیاست احیا شده و بر جای جنگ‌نشدسته است. نه فقط جنگ داخلی که حتی در جنگ خارجی فقط یک ملت-دولت است که می‌تواند مقاومت کند.



حوادث اخیر دیده می‌شود. صالحی نجف‌آبادی نیز با اشاره به گفت‌وگوهای خود با رئیس نظام پزشکی اصفهان بر این نکته صحه گذاشت که بدنه دانشجویی و کادر درمان در میانه تجمعات هزینه‌های جبران‌ناپذیری پرداخته است.

صیانت صنفی در سایه استقلال قضایی

سازمان نظام پزشکی در تعامل با دستگاه‌های امنیتی و قضایی، استراتژی «حمایت بدون مداخله» را در پیش گرفته است. میرخانی با تأکید بر احترام به استقلال قضایی، معتقد است که سازمان تنها وظایف حمایتی خود را انجام می‌دهد تا اطمینان حاصل شود که حقوق شهروندی پزشکان در مراحل دادرسی رعایت می‌شود. او هشدار داد که اخبار کذب می‌تواند، سلامت روانی کادر درمان را با خطر جدی مواجه و حساسیت‌های بی‌موردی ایجاد کند. از سوی دیگر، رئیس‌زاده تأکید دارد که برای برخی همکاران مشکلاتی ازجمله مسائل قضایی پیش آمده که سازمان تمامی موارد را رصد کرده و در مواردی که امکان کمک وجود داشته، اقدامات لازم را در دستورکار قرار داده است.

گزارش ویژه

همراه اول، سازمان پیشرو در اقدامات واقعی هوش سبز

وزارت محیط زیست، شهرسازی و آب و هوا

همراه اول در بیستمین دوره همایش «هوش سبز و سرمایه‌های انسانی»، عنوان «سازمان پیشرو در اقدامات واقعی هوش سبز» را از آن خود کرد. بیستمین دوره همایش «هوش سبز و سرمایه‌های

انسانی» ۷ بهمن ۱۴۰۴ با اتاق بازرگانی ایران برگزار شد و در جریان آن از سازمان‌هایی که دستاوردهای قابل اندازه‌گیری و پایداری در حوزه بهبود عملکرد محیط‌زیستی و عملیاتی داشته‌اند، تقدیر به‌عمل آمد. در همین راستا و با توجه به اجرای برنامه‌ها و اقدامات ساختارمند همراه اول در مسیر هوش سبز، عنوان «سازمان پیشرو در اقدامات واقعی هوش سبز» به اپراتور اول تلفن همراه کشور اعطا شد. این عنوان در بی دستاوردهای همراه اول، به‌عنوان نخستین و بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه کشور، در زمینه کاهش مصرف منابع، کاهش آلودگی‌ها و ارتقای بهره‌وری سازمانی و با نقش‌آفرینی مؤثر در حوزه HSE به این شرکت تعلق گرفته است.

آگهی فقدان سند مالکیت (شماره نامه: ۰۱۰۴۵۱۴۱/۱۴۰۴۸۵۶۱۶۰۰)

آقای نبی سلیمانی با تقدیم دو برگ استندنامه به‌محقق شده مدعی است که سند مالکیت پلاک ۷۸-۱۶۹۱-۱۶۹۱-۱۶۹۱ با مشخصات ذیل:

مشخصات ملک: خانه مسکونی به پلاک ثبتی ۷۸ فرعی از ۱۶۹ اصلی

مشخصات مالکیت: مالکیت نبی / سلیمانی بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره سند مالکیت ۲۰ تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۵ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۷۳۴۴۵

سری الف سال ۸۵ که در صفحه ۵۰ دفتر املاک جلد ۵۲۷ ذیل شماره ۱۰۸۹۲۱ ثبت گردیده است.

حقوق ارتقایی ملک: ندارد.

محدودیت: محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۱۰۶۴۷ و شماره سیستمی ۳۳۷۰۰۱۰۰۵۲۱۶۰۰۱۳۹۵۰ مورخ ۰۳/۰۲/۱۳۹۵ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۱۷۶ شهر کرمانشاه استان کرمانشاه که بنفع صندوق ضمانت سرمایه گذاری صنایع کوچک (سهامی خاص) به مبلغ ۵۰۰ ۴۷۱ ۹۲۰ ریال به مدت ۳۶ ماه ثبت شده. بر اثر سهل انگاری مفقود گردیده لذا مراتب طبق ماده ۱۲۰-۱۲۱ این نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تاچنانچه فردا فردای مدعی انجام معامله یاوجود سندمالکیت درتزد آن میبایند از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۱۰ روز مراتب ربه این اداره اعلام دارند درغیر اینصورت نسبت به صدور سند مالکیت طبق مقررات اقدام وسند مالکیت اولیه ازدرجه اعتبارساقط وباطل خواهد شد / ۷۴۶۱

محمد عباسی- مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه- ناحیه یک

